

## سیاست، پشت پرده سینما

○ یحیی آریابخشایش

۲۲۱

بیش از پنج سال از اختراع سینما در اروپا نمی گذشت که میرزا ابراهیم عکاس باشی در سال ۱۲۷۹ ش، به عنوان نخستین هنرمند ایرانی با آن آشنا شد و به دستور مظفرالدین شاه قاجار، که به اروپا سفر کرده و نخستین بار سینما را می دید، یک دستگاه «سینموتوگراف» از نوع گومون<sup>۱</sup> را در شهر استانر بلژیک خریداری کرد و در جشن گل، در همان شهر، به عنوان نخستین رئیسور (Rgisseur = کارگردان) ایرانی، پشت دوربین فیلمبرداری قرار گرفت و از مراسم «عید گل» بلژیک فیلم گرفت. وی پس از آنکه سوغاتی شگفت انگیز سفر فرنگستان را به تهران آورد، چندین بار مراسم عید گل را به نمایش گذاشت و شاه و دیگر درباریان مقرب، آنچه را که باور نمی کردند، دیدند.<sup>۲</sup>

سینما در همان روزهای آغازین در ایران، در دربار محصور ماند و به رغم آنچه در کشورهای اروپایی برای توده مردم اختراع شده بود، مردم ایران از دیدن و گاهی از شنیدن نام آن محروم ماندند، اما طولی نکشید که یک درباری آشنا به هنر نخستین قدم را در مردمی ساختن سینما برداشت و آن را به میان مردم آورد. وی میرزا ابراهیم خان صحاف باشی نام داشت که با کسب اجازه از شاه قاجار، سالی را در خیابان چراغ گاز تهران باز کرد و فیلمهای کوتاه را به نمایش عمومی گذاشت.<sup>۳</sup>

ناشناخته بودن هنر سینما، که از پدیده‌های اعجاب انگیز قرن به شمار می رفت،

عکس‌العملهای مختلفی به جای گذاشت؛ لذا اقدام میرزا ابراهیم خان در ابتدا با مخالفت‌هایی روبرو شد و راه به جایی نبرد؛ برخی با شک و تردید بدان نگرستند و برخی نیز آن را شیطانی خواندند.

به هر روی، نخستین تلاش برای مردمی ساختن سینما در ایران نتیجه‌ای نبخشید و شاه دستور داد سالن سینمای صحاف باشی را تعطیل کردند و به روایتی اموال صحاف باشی نیز به مصادره رفت و خانواده اش وادار به ترک ایران شد. اما این پایان کار نبود، بلکه با تکیه‌ای که سینما به دربار قاجار داشت مهدیخان روسی، در مقابل مخالفتها ایستاد و کار سینما را ادامه داد. چیزی نگذشت که آقایی ارمنی هم وارد میدان شد و رقابت آن دو در تهران بالا گرفت که سرانجام تلاش مردم ایران برای مشروطه خواهی، بر امور دیگر از جمله سینما، سایه افکند و رقابت آنان را در محاق برد.<sup>۴</sup>

با افتادن قدرت در دستان رضاخان سردار سپه سینما نیز رواج نسبی یافت. در چند خیابان تهران، سالنهای متعددی برای نمایش فیلم شروع به کار کردند. «گراندسینما» نخستین آنها بود که در ۱۳۰۳ ش توسط علی وکیلی، از آشنایان علی اکبر داور، افتتاح گردید. این تنها و نخستین سالنی بود که محل جداگانه‌ای را برای بانوان تعبیه دید و امکان استفاده از تولیدات سینمایی را برای زنان تهران فراهم ساخت.<sup>۵</sup>

رفته رفته بازار سینما در ایران به ویژه در تهران رونق گرفت و توجه عمومی را به خود جلب نمود. آنچه بیشتر قابل توجه است رویکرد فزاینده کمپانیها و فیلم سازان کشورهای خارجی است که راه ورود و تسلط را هموار دیده، آینده روشنی را برای گسترش فعالیت‌های خود در ایران ترسیم می کردند. هر چه زمان پیش می رفت، توجه فیلم سازان خارجی به ایران و بازاری که می توانستند در خاورمیانه در اختیار داشته باشند، دو چندان می شد. از سوی دیگر، افزایش تعداد فیلمهایی که به هر دلیلی، رضایت حکومت ایران را برآورده نمی ساخت، دربار و دولت را بر آن وا می داشت که برای کنترل امور ساخت و تولید و نمایش فیلم چاره‌ای بیندیشند. بنابراین در تیر ۱۳۰۹، وزارت داخله «نظامنامه برداشتن فیلم و نمایش سینما» را در دو فصل و مجموعاً با ۲۵ ماده، به تصویب رسانید که در ماده نخست آن آمده بود:

«۱- احدی بدون اجازه کتبی تشکیلات کل نظمیه مملکتی حق نخواهد داشت در هیچ نقطه از مملکت به برداشتن فیلم سینما مبادرت نماید.» مواد دیگر نیز تا حدودی بر همین اصل تأکید می کرد. از جمله: «۷- تقاضا کنندگان مکلف هستند پس از اقدام در برداشتن فیلم سینما، فیلم را در حضور کمیسیون مخصوص که از طرف تشکیلات کل نظمیه مملکتی تعیین خواهد گردید در مرحله اول به معرض نمایش بگذارد و تصدیقی که ممضی به امضای کلیه اعضای کمیسیون

باشد دریافت نموده، بر طبق آن از طرف تشکیلات کل نظمیہ مملکتی جواز داده شود.<sup>۶</sup>

دولت در ۱۳۱۳ ش هم محدودیتهایی را برای کنترل بیشتر تولیدات سینمایی لحاظ کرد، اما چهار سال بعد، آیین نامه‌ای را در ۱۱ ماده تنظیم و تصویب نمود که بیش از پیش، اداره کل نظمیہ (شهربانی) را مجاز می‌داشت فیلمهای سینمایی را بازرسی کند. ماده آخر آن تأکید می‌کرد که «پس از انجام فیلمبرداری، کلیه فیلمها باید معاینه و تسلیم اداره کل شهربانی شود که پس از بازرسی پروانه لازم صادر گردد و هیچ فیلمی [به استثنای فیلمهای خانوادگی] که در کشور شاهنشاهی برداشته می‌شود بدون اجازه شهربانی نباید از مرز خارج شود.»<sup>۷</sup>

آنچه در مواد نظامنامه‌ها و آیین نامه‌ها تصریح شده بودند این بود که عملاً سینما را در اختیار صاحبان قدرت قرار داده، احاطه حکومت بر سینما را چند برابر می‌افزود و پایه‌های سانسور بر سینما را بنا و محکم می‌ساخت. با وجود این باید اذعان کرد که دو سال پیش از تصویب آیین نامه ۱۳۱۷ ش سینمای ایران به خواب فرو رفته بود و هرچه زمان می‌گذشت خواب او سنگین‌تر و عمیق‌تر می‌گشت، به طوری که پس از گذشت چند سال، هیچ‌گونه فعالیت قابل توجهی در زمینه سینما و فیلم‌سازی انجام نگرفت؛ جز معدود کارهایی که نشان می‌داد سینمای عصر رضاشاهی، آخرین نفسهای خود را فرو می‌برد.

در چنین زمانی، عامل دیگری رخ نمود که به رغم دخالت نداشتن ایران در وقوع و ادامه آن اوضاع ایران را تحت تأثیر خود قرار داده، آن را دگرگون کرد و بر عموم فعالیتها، از جمله سینما سایه سنگین افکند. جنگ جهانی دوم در ۱۹۳۹ م/۱۳۱۸ ش در اروپا شروع شد و همانند تجربه پیشین (۱۹۱۴ م/۱۲۹۳ ش)، اعلامیه بی‌طرفی دولت ایران را نادیده انگاشته، و آثار سنگینی را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و هنری بر جای گذارد که بررسی زوایای گوناگون آن مجال دیگری و مقالی وسیع را می‌طلبد، ولی آنچه در این باره شایان ذکر است تأثیر همه‌جانبه‌ای است که جنگ جهانی بر فضای سینمای ایران گذارد و همدست با علل و عوامل دیگر موجب گردید که آخرین نفسها به تندی سپری شده، فعالیتهای سینمایی در ایران، تنها به وارد کردن فیلمهای خارجی و اکران آنها در سینماهای تهران و دیگر شهرها - چه به صورت ثابت و چه به صورت سیار - منحصر و محدود گردد. این انحصار به حدی بود که چند سالی گزارشگران سفارتخانه‌های خارجی در تهران درباره فعالیتهای سینمایی ایران به همین یک عبارت بسنده کردند: «هیچ فیلمی در ایران تولید نمی‌شود.»<sup>۸</sup>

جستجو در اسناد و منابع موجود ما را به این نکته رهنمون می‌شود که همزمان با رکود سینمای ایران، در ۱۳۱۵ ش و چند سال پس از آن، با شروع جنگ جهانی، بازار ورود فیلمهای خارجی به ایران، رونق گرفته، برای هر چه بیشتر وارد ساختن فیلم، تلاش و رقابتهای

مضاعفی انجام شد. بی تردید در چنین اوضاعی فیلمهای تولید شده در داخل و نمایش آنها، در درجه های بعد، قرار می گرفت و رقابت در سینمای داخلی، جای خود را به مسابقه ای وانهاده بود که هر کسی می کوشید به طُرق مختلف، بیشترین و وسیعترین سهم را در وارد ساختن فیلم خارجی، نصیب خود گرداند. در این میان انحصارطلبی در خرید و فروش فیلمهای وارداتی نیز رشد کرد و برخی به این فکر افتادند که چنین امتیازی را به دست آورند. از جمله در ۱۳۱۷ ش. شهرداری تهران که ورود فیلمهای خارجی رو به افزایش نهاده بود، مستقیماً از اداره امور شهرداریهای وزارت داخله، به طور محرمانه درخواست نمود که حق انحصاری ورود فیلمهای سینمایی در کشور به اداره شهرداری واگذار گردد.<sup>۹</sup> هر چند وزارت داخله با چنین درخواستی موافقت نکرد، اما می توان از تلاش اداره مزبور، به اهمیتی پی برد که بازار سینمایی ایران برای نمایش فیلمهای خارجی پیدا کرده بود.

این در حالی بود که کمپانیهای تولیدکننده فیلم خارجی، روز به روز فعالیت خود را در ایران گسترش داده، به گونه ها و روشهای مختلف به دنبال در دست گرفتن بازار سینمایی ایران بودند. آنها به خوبی دریافته بودند که خواب سینمای ایران، چند سالی طول خواهد کشید. بنابراین زمینه مناسبی را برای فعالیت بیشتر و انحصار بسته تری، پیش رو می دیدند. آنان روز به روز توجه خود را به ایران معطوف ساخته، فیلمهای تبلیغاتی و غیره را روانه بازار ایران می کردند.

شرح فعالیت همه کمپانیها و فیلم سازان خارجی در ایران، دقتی جداگانه و با حوصله را انتظار می کشد، اما در این مجال، پرداختن به فعالیت دو کشور آلمان و ایالات متحده و آمریکا که بیشترین فعالیت و رقابت را در عرصه سینمایی ایران داشتند، شاید بتواند گوشه هایی از تاریخ سینمای ایران را روشن نماید.

۲۲۴

#### آلمان

در میان اسناد چاپ شده درباره روابط ایران و آلمان به نامه ای بر می خوریم که در آن، سفارت آلمان در تهران، از دولت ایران خواسته است از نمایش فیلم جنگی به نام «مادر آزادی» در رشت جلوگیری به عمل آورد. این فیلم که تصویری از اعلامیه تبلیغی آن هم به نامه سفیر آلمان پیوست بوده، از شب ۱۶ ربیع الاول ۱۳۴۵ (۲ مهر ۱۳۰۵) / ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۶ در «سینما مایاک» رشت روی پرده رفت و با نگاهی سیاسی، جنگ جهانی اول را معلول مقدماتی می دانست که از هفتاد سال پیشتر، یعنی قبل از سال ۱۸۷۶ م، شروع شده بود. در قسمتی از اعلامیه مزبور آمده بود:

«... جاسوسان آلمانی با مخارج دولت به نقاط مختلفه عالم مسافرت نموده و تبلیغات برای پیشرفت آلمان می نمودند. این جاسوسان تمام قضایای سیاسی و اقتصادی ممالک را به مرکز تشکیلات خود در برلن راپورت می نمودند... [تا اینکه] سال ۱۹۱۴ رسید. آلمان خود را یگانه رهبر تمدن دانسته و پادشاه آلمان با استعانت به قادر کل جنگ معروف بین الملل را اعلان نمود. تمام ممالک دنیا علمهای مخالفت بر علیه آلمان افراخته و از هر طرف به او حمله ور شدند. این موقع آمریکا که خود را «مادر آزادی» می خواند، مجبور به اقدامات گردید. (ویلسن) رئیس جمهور آمریکا با اظهار مطلب ذیل آمریکا را وارد معرکه می نماید. آمریکا برای حفظ و حیثیت اصول انسانیت مجبور است که قدم در میدان مبارزه خونین بگذارد.»<sup>۱۰</sup>

سفیر آلمان در تهران برای جلوگیری از نمایش چنین فیلمی که آمریکا را مادر آزادی خوانده بود به وزارت امور خارجه ایران، طی نامه ای در ۲۶ اکتبر ۱۹۲۶/ربیع الاخر ۱۳۴۵ نوشت: «... ظاهراً این فیلم از آمریکا آمده می خواسته اند آن را به سینما سویتیک در رشت بفروشد و فروشنده یک نفر عامل اسرائیلی [یهودی] بوده است. چون ممکن است این فیلم در سایر مؤسسات سینماتوگرافیک ایران به فروش رسیده و یک مرتبه دیگر به معرض نمایش گذاشته شود، منظور از تهیه این فیلمها پروپاگاندا<sup>۱۱</sup> برای مسئولیت واحد آلمان در ایجاد جنگ بین الملل بوده که بالاخره از طرف تمام عالم این نظریه تکذیب گردید و چون بدون جهت این اقدام به طور خصوصی برای تخفیف حیثیت یک مملکت دوست ایران است. سفارت آلمان امیدوار است که نمایش فیلم مذکور ممنوع و در صورت مقتضی توقیف گردد. زیرا این فیلم چنانچه اشاره شد برای پروپاگاندا<sup>۱۲</sup> است که فوقاً تذکر داده شد...»<sup>۱۲</sup>

به روشنی دانسته نیست که دولت ایران از ادامه نمایش فیلم مادر آزادی در رشت یا جاهای دیگر جلوگیری کرد یا وقتی به خواسته سفارت آلمان نهاد، اما آنچه روشن است اهمیت بازار سینمایی ایران برای کشورهای خارجی است که می توانستند در عرصه های سیاست نیز از آن سود جویند. افزون بر این چگونگی ورود فیلمهای آمریکایی را باید مورد توجه قرار داد که بیشتر توسط افراد اسرائیلی-یهودی انجام می گرفت. این امر در موارد متعددی که در ادامه همین مقاله خواهد آمد مشهود و چشمگیر است.

در ۱۳۰۹ ش، اتحادیه راه آهن آلمان فیلم مستندی با عنوان «راه آهن» ساخت که مسیرهای صعب العبور و دور افتاده روستایی و زندگی مردم شهرهای کوچک ایران را نشان می داد. تمهیدی که برای جلوگیری از عدم نمایش فیلم مزبور اندیشیده و به کار بسته شد، جمله ای بود که به ابتدای آن افزودند و زمان تهیه فیلم را به پنج سال پیش، یعنی قبل از آغاز حکومت رضاشاه پهلوی، بردند.<sup>۱۳</sup>

از دیگر مواردی که در دوران سلطنت رضاپهلوی درباره سینما، میان دولتهای ایران و آلمان موجب برقراری روابطی گردید، گرداندن و نمایش فیلمی با عنوان «در مملکت شیرنقره» در شهر آخن<sup>۱۴</sup> است که عده‌ای از محصلین دولتی و غیردولتی ایرانی مقیم آن شهر، نسبت به نمایش چنین فیلمی که به گفته آنان ایران عصر رضاشاهی را عقب مانده نشان می‌داد، معترض شدند، هر چند این فیلم به دوران سلطنت قاجاریه، قبل از آغاز حکومت رضا پهلوی برمی‌گشت. در پاسخ به اعتراض آنان، ابوالقاسم نجم، وزیر مختار ایران در برلن، نامه‌ای به وزارت امور خارجه ارسال کرد که در بخشی از آن نوشته بود:

«... سزاوار نیست که همچون فیلمی در آلمان، اوضاع ایران را برخلاف آنچه هست نشان بدهند. فیلم مزبور را چندین سال قبل یک نفر یهودی آلمانی تحت عنوان مسافرت از غرب به جنوب شرقی ایران، در کارخانه اوفافا<sup>۱۵</sup> تهیه نمود. فوراً در این خصوص با وزارت خارجه و وزارت تبلیغات که مقام صلاحیت دار این کار است مذاکره، بعد از دو روز جواب دادند که چرخاندن فیلم مذکور در تمام آلمان قدغن گردید و مقرر شد که مطابق این قانون سینما فیلم مزبور را در اداره تفتیش فیلم وزارت تبلیغات یک دفعه دیگر کنترل کنند و اجازه انتشار فیلم را ملغی نمایند. لدی‌الاقضا مراتب را به سفارتخانه‌های دولت شاهنشاهی اطلاع خواهند داد که مراقب باشند. وزیر مختار، امضا [به تاریخ ۱۸ فروردین ۱۳۱۴]»<sup>۱۶</sup>

۲۲۶

آنچه درباره اسناد فوق‌الذکر قابل توجه و دارای اهمیت است کوشش و فعالیت یهودیان در صادر و وارد کردن فیلمهای سینمایی میان ایران و آلمان است که با توجه به این امر که هر دو کشور با اکران چنین فیلمهایی، در کشور خود مخالف بوده‌اند، می‌توان گفت که این تلاشها بیشتر در جهت تیره ساختن روابط میان ایران و آلمان صورت می‌گرفته، اهداف متعددی را در عرصه‌های فرهنگی - هنری و سیاسی دنبال می‌کرد.

از دیگر اسنادی که به روابط سینمایی میان ایران و آلمان تأکید دارد گزارشهای کنسولگری آمریکا در ایران است که در فاصله سالهای ۱۹۳۶ - ۱۹۴۱ م/ ۱۳۱۵ - ۱۳۲۰ ش، درباره «صنعت سینمای ایران» به کشور متبوع خود ارسال کرده است. در این گزارشها به موافقت نامه معافیت گمرکی میان ایران و آلمان اشاره شده که به رغم نداشتن تأثیر زیادی در واردات سینمایی، واردکنندگان می‌بایستی اجازه ورود کالا و محصولات آلمانی را از وزارت بازرگانی ایران کسب می‌کردند. افزون بر این، موضوع رقابت بین فیلمهای خارجی مورد توجه قرار گرفته و فیلمهای آلمانی نزدیکترین رقیب فیلمهای آمریکایی در ایران معرفی شده‌اند، که ۳۰ درصد فیلمهای به نمایش درآمده در ایران را، فیلمهای آلمانی و ۵۰ درصد آنها را فیلمهای آمریکایی و ۲۰ درصد دیگر را فیلمهای کشورهای دیگر مانند شوروی و فرانسه به خود

اختصاص می‌دادند. این رقابت در سالهای بعدی از ۳۰ به ۲۰ و ۱۲ درصد تقلیل یافت.<sup>۱۷</sup> ابزار و آلات سینمایی از دیگر کالاهایی بود که می‌توانست روابط موجود میان دو کشور ایران و آلمان را تحت تأثیر قرار دهد و رقابت میان کشورهای دیگر را در بازار ایران، سخت‌تر و نزدیک‌تر به هم و از سویی مهم‌تر نماید. در بخشی از گزارش کنسولگری آمریکا آمده است:

«... استفاده از ابزار و وسایل آلمانی در ایران رواج فراوانی دارد که به دلیل قیمت آنها و موافقت‌نامه معافیت گمرکی بین ایران و آلمان است. بر اساس این موافقت‌نامه واردکنندگان مجبور نیستند برای وارد کردن محصولات آلمانی ارزش خارجی بخرند و می‌توانند با پرداخت ارزش محلی نسبت به وارد کردن محصول موردنظر خود اقدام کنند، اما همچنان که به اطلاع رسیده، در حال حاضر این معافیت، کارایی ندارد و همه واردکنندگان در این زمینه به شکل تأمین ارزش برخوردارند.»<sup>۱۸</sup>

در گزارش سال ۱۹۴۱ م نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته است:

«سینمای جدیدالتأسیس ایران دارای دو پروژکتور آلمانی است. معافیت گمرکی آلمان و ایران معمولاً به شرکتهای آلمانی فرصت مناسبی می‌دهد تا در جهت فروش ابزار و وسایل نمایش فیلم در ایران رقبای خود را کنار بزنند...»<sup>۱۹</sup>

چنانکه گزارش بالا هم بدان اشاره نموده، استفاده از واردات ابزار و آلات سینمایی، یکی از راههای رقابت با سینمای کشورهای دیگر و جلوگیری از ورود فیلمها و ابزار آنها به ایران بوده است. در همین سال، سفیر آمریکا در تهران، از نمایش عمومی فیلم «جنگ در غرب» در یکی از سینماهای تهران خبر داد که پس از نمایش اختصاصی آن در سفارتخانه آلمان، به نمایش عمومی گذاشته شده بود. سفیر آمریکا در قبال آن از وزارت امور خارجه ایران خواست که از اکران آن جلوگیری کند:

«تاریخ: ۱۴ مارس ۱۹۴۱

شماره: ۱۰۳

از: سرریدر بولارد، تهران

صرف نظر از نمایش خصوصی فیلم «جنگ در غرب» توسط سفارت آلمان، یکی از سینماهای تهران نیز اقدام به نمایش عمومی آن کرده است. من طی یادداشتی به وزیر امور خارجه [ایران] خاطر نشان کرده‌ام که از نمایش عمومی فیلم به دلیل اثرات وخیم آن جلوگیری کند. ولی تردید دارم آنها شهامت این کار را داشته باشند.»<sup>۲۰</sup>

البته از موضوع فیلم مزبور آگاهی نداریم و جستجوی ما در این باره و سرانجام نمایش آن به جایی نرسید. اما تلگراف بعدی سفیر آمریکا، نشان می‌دهد که آمریکاییها می‌توانند از راه تجاری

و بازرگانی نیز، مقدمات جلوگیری از نمایش فیلمها را در ایران فراهم کنند:

«تاریخ: ۱۴ مارس ۱۹۴۱»

شماره: ۱۰۴

از: سرریدر بولارد، تهران

اعتقاد دارم ترخیص فوری باقی مانده اولین محموله ۳۰/۰۰۰ تن گندم به ایران، توجه مقامات ایرانی [را]، به مخاطرات ناشی از فعالیتهای جدید آلمانیها جلب کرده و شاید آنها را به جلوگیری از نمایش فیلم «جنگ در غرب» ترغیب کند. به تلگرام قبلی من توجه کنید.<sup>۲۱</sup>

با توجه به روند فعالیتهای سینمایی کشور آلمان در ایران و واردات فیلمهای سینمایی آن به ایران، به نظر می رسد که پس از شکست آلمانیها در جنگ جهانی دوم گستره فعالیت آنان در کشورهای دیگر از جمله ایران، کاهش یافته، به جای آن بلکه به مراتب بیشتر، آمریکاییها به میدان آمده، بیش از پیش بر فعالیتهای سینمایی خود در ایران، افزوده، سعی کردند بازار ایران را بیشتر قبضه کنند.

#### ایالات متحده امریکا

۲۲۸

در همان سالی که «گراند سینما» در تهران دست به ابداع زد و نخستین بار نمایش فیلم را برای بانوان ایرانی ممکن ساخت (۱۳۰۳ ش) «مریان. سی. کوپر»<sup>۲۲</sup> و «ارنست. بی. شودساک»<sup>۲۳</sup> آمریکایی به ایران آمدند و با کسب اجازه از رئیس ایل بابا احمدی، فیلم مستندی به نام «علف» (علفزار) را در ایران تهیه کردند. آنان چهل و شش روز همراه با ایل بابا احمدی ماندند و از زردکوه و رود کارون گذشته، زندگی ایلیاتی را در ایران به تصویر کشیدند.<sup>۲۴</sup>

فیلم «علف» در آمریکا توسط کمپانی پارامونت توزیع گردید و با اقبال خوبی از سوی مردم روبرو شد. اما به دلیل اینکه هیچ یک از صحنه های آن نشانی از فن آوری در ایران نداشت، و در کشورهای دیگر نیز با عنوانین علف: مبارزه یک ملت برای بقا و علف: حماسه یک قبیله گم شده، به نمایش درآمده بود، که همگی تلویحاً جامعه ایرانی را عقب مانده نشان می داد، از اکران آن در همان سالها، در داخل ایران، جلوگیری به عمل آمد و ایرانیان خود امکان دیدن آن را نیافتند. البته علل دیگری هم وجود داشت که موجب می شد حکومت پهلوی از اکران آن در ایران جلوگیری کند و آن تصویری بود که فیلم از ایلیاتیها به نمایش می گذاشت: «تصویری آزاد و سلحشورانه که چندان خوشایند حکومت وقت نبود»<sup>۲۵</sup>

حمیدرضا صدر طی تحقیقاتی که برای نگارش کتاب «درآمدی بر تاریخ سیاسی سینمای ایران بین سالهای ۱۲۸۰-۱۳۸۰ ش» انجام داده، به اسناد و مدارکی دست یافته است که چگونگی



فعالیت سینمای کشورهای خارجی را در ایران، بیشتر و روشتر نشان می‌دهد. وی در نوشته اش مأخذ اسناد و مدارک برگرفته را بیان نکرده و فقط در پایان اثر، به صورت کلی، به ذکر ترتیبی منابع و مأخذ مورد استفاده، اکتفا کرده است. با این حال اشاره‌ای گذرا بدانها در این بخش از مقاله حاضر، اهمیت دارد. بخش نخست این اسناد، گزارشهایی است که کنسولگری آمریکا در فاصله سالهای ۱۹۳۶ - ۱۹۴۱ م به کشور متبوع خود ارسال داشته است.

وی در گزارش ۲۴ دسامبر ۱۹۳۷ درباره سانسور فیلمهای خارجی نوشته است:

«از حدود سیصد فیلم بازیابی شده در سال گذشته فقط نمایش یک فیلم توسط سانسور ممنوع اعلام شده است. این فیلم آمریکایی<sup>۲۶</sup> بوده و نشان می‌دهد چگونه فردی که خود را یک هایسبرگ [خاندان سلطنتی در اروپا] می‌خواند تلاش می‌کند در اتریش به سلطنت برسد.»<sup>۲۷</sup>

کنسولگری در ادامه گزارش خود، نظر دولت ایران را هم به این گونه فیلمها یادآوری می‌کند: «محرمانه نمایش صحنه‌هایی مرتبط به در دست گرفتن حکومت از مسیر قانونی، خوشایند دولت ایران، که حکمرانانش قدرت را توسط کودتا به دست آورده‌اند،<sup>۲۸</sup> نیست. پایان بخش محرمانه.»<sup>۲۹</sup>

۲۲۹

به دلیل اهمیتی که گزارشها و تلگرافهای کنسولگری آمریکا درباره ورود فیلمهای آمریکایی به ایران و رقابت میان کشورهای وارد کننده دارد، بخشی از گزارشهای مزبور را عیناً از کتاب «درآمدی بر تاریخ سیاسی سینمای ایران» نقل می‌کنیم:

[از گزارش سال ۱۹۴۰ م]

«رقابت

- ۱- هر سال حدود ۲۵۰ فیلم بلند وارد بازار ایران می‌شود.
- ۲- یک نسخه فیلم بلند برای نمایش در ایران کافی است.
- ۳- فقط نسخه‌های پوزیتیو وارد ایران می‌شود.
- ۴- رقیب اصلی فیلمهای آمریکایی در ایران، فیلمهای آلمانی، روسی و فرانسوی هستند.
- ۵- حدود شصت درصد فیلمهای نمایش داده شده در ایران، آمریکایی، بیست درصد آلمانی، پنج درصد روسی و پنج درصد فرانسوی هستند.
- ۶ و ۷- استقبال از فیلمهای آمریکایی در ایران خوب است و تولید فیلم داخلی در ایران وجود ندارد.

۸- ارقام دقیقی در دست نیست. اما تخمین زده می‌شود که شرکتهای آمریکایی از بازار ایران سالانه حدود یک میلیون ریال (حدود ۲۲/۲۰۰ دلار) به دست می‌آورند.

[از گزارش سال ۱۹۴۱ م]

... تعداد فیلمهای خارجی نمایش داده شده، دو - سه ماهه اول سال ۱۹۴۱ در ایران ۶۵ فیلم برآورده شده است که از این تعداد ۶۰ درصد آمریکایی، ۲۰ درصد روسی، ۱۲ درصد آلمانی و ۸ درصد محصول دیگر کشورها بوده‌اند.»

نمایش یک فیلم آمریکایی با عنوان «سلطان و دختر دسته‌کر» بر اساس گزارش واصله در ۱۴ نوامبر توسط کنسولگری ممنوع اعلام شد. این فیلم به عنوان اثری تلقی گردید که به خانواده سلطنتی هایسبرگ توهین نموده است.

### بخش فیلم

فیلمهای روسی به قیمت شش تا هشت هزار ریال جهت نمایش در ایران فروخته می‌شوند، فیلمهای آمریکایی با اجاره‌ای معادل ۶۵۰۰ تا ۵۶۰۰۰ ریال وارد بازار ایران می‌شوند.<sup>۳۰</sup> افزون بر گزارشهای کنسولگری آمریکا، گزارشها و مکاتبات سفارت انگلیس نیز که در فاصله سالهای ۱۹۴۳-۱۹۴۵ م انجام گرفته، رقابت فشرده دولتهای انگلستان، روسیه، آلمان و آمریکا را در بازار سینمایی ایران نشان می‌دهد. هدف از این رقابتها «رخنه در دل جامعه و ایجاد ارتباط با دولت، جریان دادن دائمی فیلمهای تبلیغاتی خارجی و ایجاد رابطه تنگاتنگ توزیع کنندگان و سینما دارها با سفارتخانه‌های خارجی و شرایط حاکم بر اقتصاد و مدیریت سینما» در ایران بیان شده است.<sup>۳۱</sup> اما نفوذ فرهنگی که زمینه ساز ورود سیاسی - اقتصادی کشورهای قدرتمند به جهان سوم است، در ورای این رقابت، آن هم از طریق صنعت سینما اهمیت فراوانی برای این کشورها داشته است.

۲۳۰

در گزارش ۱۹ ژوئیه ۱۹۴۳ م [۲۹ تیر ۱۳۳۲ ش] با عنوان «سینما در خاورمیانه» که از سوی بخش فیلم وزارت اطلاعات به وابسته سفارت بریتانیا (انگلستان) در تهران ارسال شده، آمده است:

«با توجه به تلگرام شماره MIDES 15 مورخ ۲۷ دی ۱۳۲۲ موارد زیر به اطلاع می‌رسد: ۱- از آن جا که روش فعالیت هشت کمپانی آمریکایی در عراق و ایران با فعالیت آنها در مصر متفاوت است، احساس می‌کنیم این امر ضروری است که توضیح مبسوطی در این زمینه، بدهیم تا شما بتوانید در مورد دشواریهای مربوطه... تصمیمات لازمه را اتخاذ فرمایید.

۲- هشت کمپانی مربوطه به قرار زیر هستند:

- مترو گلدوین مه پر<sup>۳۲</sup> (مصر).

- توتیت فاکس ستتری فیلم کورپوریشن.<sup>۳۳</sup>

- یونایتد آرتیستز کورپوریشن.<sup>۳۴</sup>

سیاست ، پشت پرده سینما

- پارامونت فیلمز آر ایجیپت اینکورپوریتد<sup>۳۵</sup> [نمایندگی کمپانی پارامونت در مصر]

- کلمبیا پیکچرز لیمیتد.<sup>۳۶</sup>

- یونیورسال پیکچرز کورپوریشن.<sup>۳۷</sup>

- آر.ک.ا.و. دمویکچرز نیرایست<sup>۳۸</sup> اینکورپوریشن [نمایندگی کمپانی RKO در خاور نزدیک].

۳- عراق ...

۴- ایران . توزیع کنندگان آمریکایی دفاتری در این منطقه ندارند و اکثر فعالیتها از طریق قاهره انجام می پذیرد.

کمپانیهای متروگلدوین مهیر ، فاکس ، یونایتد آرتیستز ، پارامونت و وارنر فیلمهای خود را برای دوره های دو تا شش ماهه به سینما داران اجاره می دهند.

کمپانی کلمبیا حقوق تولیدات خود را برای سه سال می فروشد و سینما دار [نمایش دهنده] در صورت لزوم و سودمند بودن می تواند درخواست نسخه ای از آن فیلم را ارائه دهد.

کمپانیهای یونیورسال و آر.ک.ا.و. در مصر اداره می شوند. سیاست آنها مبتنی بر فروش فیلم به بهترین پیشنهاد دهنده در عراق و ایران است. در مواردی آنها یک تولید خود را به دو فرد یا گروه مختلف می فروشند و گاهی حقوق یک فیلم در طول یک سال به دو فرد مختلف واگذار می شود. هر دو کمپانی اصرار دارند تولیداتشان را به یک فرد برای دو کشور [عراق و ایران] بفروشند تا از تهیه نسخه های غیرقانونی از روی آنها، که پیشتر بدان برخوردند، جلوگیری کنند.

توجه: از آنجا که سینما داران عراق و ایران در کشور مقابل منافعی ندارند، شخصی که حقوق تولیدات سینمایی برای پخش در هر کشور را بخرد باید آن را جداگانه در کشور دیگر به فروش رساند.

۵- شرایط فعالیت در دو کشور مربوطه بدین قرار است و شما بی تردید به مشکلات جاری در صدور پروانه نمایش در هر کشور اشراف دارید. به علاوه از آنجا که این نظام متغیر توسط مدیران هشت کمپانی آمریکایی در قاهره اداره می شوند، یقیناً مطلوب ترین و کارآمدترین راه حل و بهترین فرصت برای کنترل همه چیز این است که نیازهای عراق و ایران بر اساس یک پروانه پوشش در مصر و بر اساس نظرات توزیع کنندگان آمریکایی در این کشور رفع شود.

۶- ...

۷- مرکز تهیه فیلم برای مناطق مورد نظر به قرار زیر است :

الف) مترو گلدوین مهیر ، فاکس و یونایتد آرتیستز ، دفاتر خود را در بغداد دارند که نسخه های مورد نیاز را تهیه می کنند.

ب) خریداران فیلم از یونیورسال آر.ک.ا.و. در مواردی کلمبیا نسخه های خود را از ایالات

متحده آمریکا وارد می کنند.

ج) پارامونت و وارنر فیلمهای خود را از فلسطین و یا مصر که نسخه های اضافی در آنجا وجود دارد صادر می کنند...»<sup>۳۹</sup>

در نامه دیگری که از سوی روابط عمومی سفارت انگلستان در تهران، به بخش خاورمیانه وزارت اطلاعات در لندن فرستاده شده است، به مسئله تماشاگران سینمای آمریکا در ایران پرداخته شده و به طور ویژه، چگونگی ورود و نمایش فیلمهای آمریکایی بیان شده است:

«تاریخ: ۱۹ آوریل ۱۹۴۴

شماره: P.43.72.44

از: روابط عمومی سفارت انگلستان، تهران

به: گریوزلاو، وزارت اطلاعات، بخش خاورمیانه، لندن

... صریحاً ابراز کنم از دیدگاههای بخش فیلم در لندن، ابراز شده در پاراگراف اول نامه شما حیرت کردم، به نظر می رسد تلقی آنها ارتباطی به شرایط واقعی بازار فیلمهای بلند در خاورمیانه ندارد. بر اساس نظر آنها، صنعت فیلم آمریکا تا همین اخیراً توفیق اندکی در بازار فیلم خاورمیانه داشته. این امر برای ما که اینجا هستیم و از اوضاع اطلاع داریم کاملاً نادرست است. فیلمهای آمریکایی در پرشیا [ایران] به تعداد بسیار زیادی در چند سال گذشته نمایش داده شده و ستاره های آمریکایی را همه فیلم بازهای پرشیا [ایران] می شناسند. حتی یک مجله هفتگی سینمایی وجود دارد که در تهران چاپ می شود و نام آن هالیوود است. نمی توان این حقیقت را انکار کرد که همه کمپانیهای بزرگ فیلمسازی آمریکا سالهاست در قاهره نمایندگی دارند و این نمایندگان فیلمهای آمریکایی را در سراسر خاورمیانه عرضه کرده اند. این یک حقیقت است که از زمان شروع جنگ، تجارت آنها رونق بیشتری گرفته و اینجا در تهران سینماها در مقایسه با گذشته پذیرای تماشاگران بیشتری هستند. تجارت سینماداری در پارس [ایران] به حدی رونق یافته که در حال حاضر تقاضای ساختن هفت سینما در پایتخت ارائه شده است و صاحبان کنونی سینماها، سرمایه های بیشتری را برای خرید فیلمهای جدید اختصاص داده اند. خواهش می کنم در این زمینه به نامه شش آوریل P.156.37.44 عنایت فرمایید...

شخصاً عقیده دارم در صورت اجرای یک برنامه مناسب زمینه های فعالیت خوبی در بازار فیلم پرشیا [ایران] وجود دارد و می توان یک کمپانی بریتانیایی را در اینجا به مرحله بازدهی مالی رساند، اما باید بر این نکته تأکید کنم که اهمیت بازار پرشیا فقط جنبه مالی ندارد. از نقطه نظر سیاسی ضروری است که فیلمهای بریتانیایی به نقطه ای برسند که امروز رقبای آمریکایی و روسی بدان دست یافته اند...»<sup>۴۰</sup>

آنچه در سطور پیشین ذکر شد، اسناد و مدارکی است که به چاپ رسیده و نشان می‌دهند که فیلمهای آمریکایی چگونه و با چه اهدافی وارد ایران می‌شدند. کمپانیهای آمریکایی که در ابتدا نماینده مستقیمی در ایران نداشته، مجبور بودند فیلمهای خود را از طریق نمایندگان که در مصر یا عراق داشتند وارد ایران کنند، ولی رفته رفته و با گسترش فعالیتها، به این فکر افتادند که نمایندگان را در ایران بگمارند تا از این طریق در وارد ساختن فیلم و تسلط بیشتر بر عرصه‌های سینمایی ایران توفیق بیشتری یابند. با گذشت زمان، کمپانیهای آمریکا به این هدف دست یافتند و مستقیماً در وارد ساختن و نمایش فیلمهای خود، فعالیتهای گسترده‌ای را آغاز کردند. اسنادی در دست است که از فعالیت کمپانیهای آمریکایی در ایران، در دهه‌های ۵۰- ۱۳۴۰ شمسی سخن گفته، چگونگی آن را تشریح می‌کند. از جمله در آبان ۱۳۴۸، گزارشگر سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) گزارشی را تهیه کرد که به رغم داشتن عنوان «آتش سوزی در سینماها» آگاهیهای قابل توجهی را درباره فعالیت کمپانیهای آمریکایی در ایران به دست می‌دهد. این گزارش در ۱۶ صفحه تدوین شده و در واقع خلاصه مصاحبه نورالدین آشتیانی،<sup>۴۱</sup> رئیس سندیکای سینماداران تهران، است، اما پیش از آنکه موضوع فعالیت کمپانیها را پی بگیریم، لازم است بحث کوتاهی درباره بحران آتش سوزی در سینما درگیرد.

#### آتش سوزی در سینما

بیش از ۱۴ روز از آغاز سال ۱۳۴۸ ش سپری نشده بود که سینما پاسیفیک (ایران فعلی)، در تهران آتش گرفت و ظرف دو ساعت چیزی از سالن نمایش آن باقی نماند. چند روز بعد، در ۲۳ فروردین، سینما سعدی نیز در یک آتش سوزی سه ساعته به کلی سوخت. سه روز بعد، نوبت به سینما المپیا رسید و تا حدودی در اثر آتش سوزی از بین رفت.<sup>۴۲</sup> گزارشگر ساواک درباره آتش سوزی سینما المپیا می‌نویسد:

«امروز از ساعت پنج بعد از ظهر سینمای المپیا واقع در اول خیابان سلسبیل [رودکی فعلی] متعلق به آقای جلیل جلیل زاده طعمه حریق گردید. این چهارمین<sup>۴۳</sup> سینمایی است که در ظرف مدت بسیار کمی آتش گرفته است...»<sup>۴۴</sup>

آتش سوزی سه سینمای تهران در مدت کمتر از ۱۵ روز مباحث متعددی را برانگیخت؛ همان طور که ساواک نیز اشاره کرده بود افرادی در آتش سوزیها دست داشته اند:

«محترماً به طوری که استحضار دارند طی دو هفته اخیر سه سینما از سینماهای تهران دستخوش آتش سوزی شده و این امر ضمن اینکه وحشت فوق العاده‌ای بین صاحبان سینماها به وجود آورده، شایعات گوناگونی نیز به دنبال داشته است. از جمله اینکه عده‌ای معتقدند منشأ

آتش سوزی عناصر افراطی مذهبی می باشند که شیخ عباس مهاجرانی در مسجد عالی سپهسالار در روز عاشورا نیز به تحریک احساسات متعصبین مذهبی کمک کرده و برخی اظهار عقیده می کنند که طرفداران دکتر مصدق در این کار دست داشته اند.

نظریه : با توجه به موارد مشروحه ذیل :

الف) کیفیت آتش سوزی در هر سه سینما که اولاً کسی در سالن نمایش حضور نداشته و قبل از نمایش فیلم بوده و همچنین آتش سوزی از قسمت پرده نمایش آغاز گردیده است .

ب) سه سینمای مذکور جزو سینماهای متحده نبوده اند.

پ) در موقع آتش سوزی هر سه سینما فیلم فارسی به نمایش گذارده بودند.

ت) سه سینمای موصوف از سینماهای درجه ۲ تهران بودند.

به احتمال قریب به یقین علل آتش سوزی جنبه اختلافات صنفی و احتمالاً حفظ منابع بیشتر برای بعضی از صاحبان سینماها بوده است و چنانچه روحانیون مخالف و تبعیض مذهبی در این کار دخالت داشتند علی الاصول می بایستی این طرح روی سینماهای درجه یک تهران از جمله مولن روژ، دیاموند، پارامونت، آتلانتیک و رادیوسیتی به مورد اجرا گذارده می شد. معهذ در صورت تصویب، ضمن طرح موضوع در شورای هماهنگی رده ۲، کمیسیونی با شرکت مسئولین مربوطه تشکیل و علل اصلی آتش سوزی مورد بررسی قرار گیرد.

۲۳۴

امضا روائی ۴۸/۱/۲۶

رئیس پخش ۳۱۶- از غندی - امضا

رئیس اداره یکم عملیات بررسی، ثابتی، ۴۵ امضا»

در این باره، که افراد مذهبی، عامل این آتش سوزیها بوده اند، اسناد و مدارک در دست نیست حتی ساواک نیز چنین نظری را رد کرده و فقط احتمال داده است که انگیزه های شدید مذهبی موجب شده، چنین اقداماتی انجام گیرد. با وجود این اگر آتش سوزی سینماهای مزبور را به دست افراد مذهبی تلقی نماییم توجه به چند نکته زیر - که از گزارشهای ساواک برگرفته شده است، نشان می دهد که انگیزه و هدف از چنین اقدامات، نه مخالفت با سینما، بلکه با نمایش فیلمهای غیراخلاقی بوده، به این طریق سعی در جلوگیری از رواج مفاسد اجتماعی می شده است. البته این در صورتی است که برخی سینماها را که به دلایلی، از جمله اتصال سیم برق، دچار حریق می شدند، مستثنی نماییم و شواهد کافی برای انجام آتش سوزی توسط مذهبیون در دست داشته باشیم.

الف) سینما در ایران پیشینه ای نزدیک به نیم قرن دارد، مردم تهران هم نسبت به آن و نقش و جایگاهی که در جامعه ایرانی داشت آگاه بودند. بنابراین نمی توان آن را به عنوان پدیده ای نو

تلقی نمود که مخالفت‌هایی - حتی از نوع مذهبی - را برانگیزاند.

ب) چنانچه در گزارش‌های ساواک توجه و تعمق شود می‌توان پی به این نکته برد که آتش‌سوزیها در زمانی اتفاق افتاده که سانس فیلم یا شروع نشده و یا به پایان رسیده است. همچنین به روزهایی که سینماها نمایش فیلم فارسی را روی پرده داشتند توجه کنیم در می‌یابیم هدف از این گونه اقدامات، وارد ساختن ضربه به صاحبان سینماها بوده است. به عبارتی اگر چنین آتش‌سوزیها از سوی افراد مذهبی صورت گرفته باشد، آنها سعی کرده‌اند، حتی المقدور، تماشاگران عادی از خطرات احتمالی به دور بوده، فقط صاحبان سینماها و عواملی که در وارد کردن و نمایش دادن فیلمهای غیراسلامی دست اندر کارند متضرر شوند. از این رو سینماهایی بیشتر مورد هدف قرار گرفته‌اند که در اکران فیلمهای غیراخلاقی بیشتر کوشیده‌اند.

سینما پارامونت هدف بعدی بود که در روزهای ۲۷ و ۲۸ فروردین ۱۳۴۸ افرادی با مسئولین آن تماس تلفنی برقرار کرده، تهدید نمودند که در صددند سینما را در روز جمعه ۲۹ فروردین به آتش بکشند. به دلایل نامعلومی، سینمای مزبور از شعله‌های آتش جان سالم به در برد و به جای آن، حدود یک ماه بعد، در عصر ۲۷ اردیبهشت سینما سانترال (مرکزی فعلی) آتش گرفت که به زودی هم خاموش گردید. بلافاصله نمایندگان شهربانی و ساواک در محل حاضر شده، نحوه آتش‌سوزی را بررسی و جوانی را نیز به اتهام دست داشتن در آتش‌سوزی دستگیر و به کلانتری ۸ تهران منتقل کردند.<sup>۴۶</sup>

بعد از آن، در ۸ مرداد سینما فری - که بعد از انقلاب تعطیل شد - طعمه حریق شد و خسارات هنگفتی به آن وارد آمد. حدود ۲۰ روز بعد آتش‌سوزی در سینما آسیا موجب گردید که بخشهایی از آن به خاکستر تبدیل شود.

از دیگر سینماهایی که در همین سالها، شعله‌های آتش به جان آنها درافتاد، سینما دیانا (سپیده فعلی) و سینما نپتون بود که هر دو با کمک مأموران آتش‌نشانی از نابودی رستند و فقط خسارتهای جزئی را متحمل شدند؛ دیانا در ۱۷ دی ۱۳۴۹ و نپتون در ۲۹ مهر ۱۳۵۰ که آتش‌سوزی با انفجار شروع شد و از ساعت ۱۷ تا ۲۱ شب ادامه یافت.<sup>۴۷</sup>

آتش‌سوزی در سینما، تنها به شهر تهران محدود نمی‌شد بلکه در شهرهای دیگر نیز رخ می‌داد که در برخی از آنها، خسارتهای جانی هم به همراه داشت. از جمله در ۲۵ شهریور ۱۳۴۸ در شهسوار یک سینما آتش گرفت و ۱۲ نفر کشته و ۵۰ مجروح به جا گذاشت.<sup>۴۸</sup> دیگری سینما آریا در خرم‌آباد بود که در ۲۷ مهر ۱۳۵۱ سوخت و در مدت دو ساعت بخشی از سالن نمایش و انتظار و صندلیها به کلی از بین رفت و غیر قابل استفاده گردید. سینما سعدی مشهد نیز آتش گرفت که ساواک فردی را به اتهام خرابکاری دستگیر کرد و مورد بازجویی قرار

داد. سینما کاپوی شهرستان رفسنجان، دیگر سینمایی بود که قبل از افتتاح مجدد، در شب ۱۵ بهمن ۱۳۴۹ به وسیله نفت به آتش کشیده شد، ولی قبل از آنکه شعله های آتش به سالن نمایش و بخشهای دیگر آن سرایت کند، مهار شد. سینمای شهرستان بانه به نام ایران، دیگر سینمایی بود که در ۲۳ تیر ۱۳۵۰ آتش گرفت که بعدها، به رغم تلاش مدیران آن برای تعمیر و تجدید بنا، مدتی به حال تعطیلی درآمد.

در برخی از شهرها هم، مدیران سینما، تهدید شدند که سینماهایشان به آتش کشیده خواهد شد. از جمله آنها می توان دو سینمای مهتاب و آریا را در قزوین یاد کرد که مدیران آنها در ۶ خرداد ۱۳۵۶ از طریق پست شهری نامه تهدیدآمیزی را به مضمون زیر دریافت کردند: «در روزهای سوگواری پیشوایان اسلام سینما را تعطیل و از نمایش فیلمهای سکسی خودداری نمایید در غیر این صورت سرنوشت سینما قم را خواهند داشت.»<sup>۴۹</sup> این روزها با جمادی الآخر ۱۳۹۷ ایام شهادت حضرت فاطمه (س) مصادف بود.

در این میان تنها سینمای شهرستان قم، که چند ماه بعد از افتتاح به آتش کشیده شد و تلاش صاحب و مدیر آن، برای بازسازی مجدد به جایی نرسیده، پس از مدتی، ساختمان آن به مدرسه علوم دینی تبدیل گردید، دارای اهمیت ویژه ای است که به اجمال بدان می پردازیم.

۲۳۶

#### سینمای دروازه طلایی قم

در ۲۹ آذر ۱۳۴۸ نخستین سینما به نام «دروازه طلایی» که به گلدین گیت<sup>۵۰</sup> (دروازه طلایی) نیز شهرت داشت در شهر قم افتتاح گردید و نخستین فیلمی که در آن به نمایش عمومی درآمد، فیلم «خانه خدا» ساخته ابوالقاسم رضایی و جلال مقدم بود که یک فیلم مذهبی بود و مناسب حج را به صورت مستند نشان می داد.<sup>۵۱</sup> نمایش این فیلم در روزهای نخست از استقبال خوبی برخوردار شد اما با گذشت زمان و راهیابی فیلمهایی که با محیط و فضای مذهبی شهر قم همخوانی نداشت از همان آغاز سینمای دروازه طلایی با مشکلات متعددی روبرو گردید که از جمله آنها می توان به نامه ای اشاره کرد که ۳ بهمن ۱۳۴۸ به دست علی بشارتیان، مدیر سینما، رسید و از او خواست سینمای خود را تعطیل کند، و الا یک گروه ۶ نفری به دنبال فرصتی هستند تا او و سینمای او را از بین ببرند. در قبال این نامه تهدیدآمیز بشارتیان نامه ای به ساواک قم نوشت و از آنها خواست که یک قبضه اسلحه کوچک کمری در اختیار او بگذارند تا بتواند برای دفاع از خود در بین راه قم و تهران که مدام در رفت و آمد است، همراه داشته باشد.<sup>۵۲</sup> به روشنی دانسته نیست که ساواک به خواسته او پاسخ مثبت داد یا نه، اما چنین اقدامی دلالت بر این دارد که او از ادامه کار سینما در قم هراسناک بود و چه بسا پیش بینی می کرد که با خطرات جانی هم مواجه



سیاست، پشت پرده سینما

شود. از سوی دیگر اوضاع سینمای دروازه طلایی چندان رضایت بخش نبود و با فضایی که ورود فیلمهای خارجی ایجاد کرده بود و تولید فیلمهای داخلی را به سمت دیگری سوق می داد، افق امیدوارکننده‌ای را برای سینمای خود پیش رو نمی دید. از این رو در ۲۴ فروردین ۱۳۵۰ نامه‌ای به نصیری، رئیس ساواک، نوشت و در آن مشکلات سینماداری را در قم برشمرد. وی پس از ذکر مقدمه‌ای که بیشتر بیان و یادآوری تلاشهای خود در امر ساخت و اداره سینمای مزبور است، می نویسد:

«... سالون سینما بزرگ و مجلل و تعداد ۱۲۰۰ نفر گنجایش دارد. در ۲-۳ ماهه اول افتتاح استقبال بی نظیری شد. یک فیلم ایرانی را ۶ تا ۷ روز و فیلمهای خارجی را ۲ تا ۳ روز نمایش می دادم ولی دیگر عادی شده، [علاقه مندان] سینما در قم در حال حاضر بین ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر [در سال] است و اکنون بهترین فیلم ایرانی را که همزمان با تهران، با بزرگترین گروه سینماهای مرکز نمایش داده می شود ۳ تا ۵ روز بیشتر نمی توان نگهداشت و بهترین فیلم آمریکایی را که شش ماه روی اکران سینمای دیاموند تهران بود، ۱ یا ۲ روز در قم بیشتر فروش ندارد. اگر روزهای اول فیلم یکی - دو سانس پر شود روزهای بعد نصف سالون هم پر نخواهد شد. روز چهارم به ۴۰ تا ۵۰ نفر هم نخواهد رسید. در بدو امر در شورای شهرستان و کمیسیون فرمانداری قم به بنده قول داده شد تا پنج سال از رقابت محفوظ باشم و استنباط می کنم تا ۲ سال دیگر همین یک سینما کافی است...»<sup>۵۳</sup>

در هر حال، نخستین اقدام برای تعطیل کردن سینمای قم، جاسازی یک بمب ساعتی در ۲۷ فروردین ۱۳۵۱ بود که به رغم آنکه مأموران شهربانی از آن آگاهی یافتند و توانستند از سالن نمایش خارج سازند، در سالن انتظار منفجر گردید و ماجرا بدون آنکه خسارتی به سینما وارد آید پایان پذیرفت.

دومین حادثه در نیمه شب ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۴ اتفاق افتاد که به تعطیلی کامل آن منجر شد. علی بشارتیان، مدیر سینمای دروازه طلایی در پاسخ به نامه شهرداری قم،<sup>۵۴</sup> بخشی از آتش سوزی سینما را معلول بی تجربگی مأموران آتش نشانی دانسته، نوشته است:

«... صرف نظر از نحوه آتش سوزی که به قرار مسموع بی تفاوتی و [اهمال] و یا بی تجربگی مسئولین اطفای حریق به حدی بوده که مورد تمسخر افراد کوچه و بازار شده، می گویند بعد از مدتی تأخیر تانکر شهرداری خالی بدون آب در محل حاضر شد و پس از بازگشت و [پراز] آب کردن آن، موقع عمل شلنگ آن پاره و سوراخ بوده، بعد نردبان آتش نشانی نداشته‌اند و سه ساعت بعد از خاموشی آتش سینما، یعنی ساعت ۸ صبح آن را در خارج از شهر پیدا کرده و برای نمایش جلوی سینما آوردند. تنها کار مثبتی که کرده‌اند به محض رسیدن به محل، فوراً تمام

شیشه‌های سالون را شکسته‌اند که هوای آزاد، آتش را بیشتر مشتعل کند و هرگز به خود زحمت نداده‌اند که از وسایل مدرن و مجهز آتش‌نشانی در داخل سینما استفاده نمایند. بدیهی است تجربه تلخی که با هشتاد میلیون ریال خسارت مالی که در نتیجه بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی مسئولین امر حاصل شد موجب خواهد شد که آیندگان بی‌گدار به آب نزنند مگر آنکه مقامات مسئول و دلسوز واقعی اجتماع با علاقمندی موضوع را پیگیری و احقاق حقی نمایند.<sup>۵۵</sup>

به رغم تلاشهای زیاد مدیر سینمای قم و استمدادهایی که از ساواک، وزارت فرهنگ و هنر، شرکتهای بیمه و مراکز ذیربط انجام داده بود تا بتواند بار دیگر سینمایش را به راه اندازد. تلاش و نامه‌نگاریهای او به جایی نرسید و سینمای دروازه طلایی به همان حالت سوخته تعطیل گردید تا اینکه در اواسط اسفند ۱۳۵۴ خود به منزل آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی<sup>۵۶</sup> رفت و با اطلاعی که از رغبت آیت‌الله برای خرید سینما به او رسیده بود، از ایشان خواهش کرد که برای نجاتش ساختمان سینما را خریداری کند. آیت‌الله مرعشی نیز، به منظور تبدیل سینما به مدرسه علوم دینی، آن را به قیمت ۳ میلیون ریال از وی خرید و به رغم عکس‌العملهای مختلف از سوی ساواک، موجب خرسندی بسیاری از اهالی قم گردید.

سید محمود مرعشی نجفی<sup>۵۷</sup>، فرزند آیت‌الله مرعشی برای تأمین مبلغ فوق‌الذکر، در ۱۸ فروردین ۱۳۵۵ قصد چاپ و توزیع آگهی زیر را داشت که با عکس‌العمل ساواک قم مواجه شد:

«بسم‌الله تعالی - با تأییدات خداوند متعال و توجهات حضرت ولی عصر(عج) الشریف حسب‌الامر والد بزرگوار حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی تنها سینمای شهرستان مذهبی قم که چندی پیش خراب شده بود خریداری و انشاء‌الله در آینده به صورت مدرسه علوم دینی برای طلاب و محصلین حوزه علمیه در خواهد آمد. بدیهی است همکاری مؤمنین خاصه دوستان خاندان عصمت و طهارت در تسریع احداث این مشروع خیر که یقیناً زیر نظر ولی عصر(ع) می‌باشد مؤثر خواهد بود. لذا به همین منظور حساسی به شماره ۵۵۰۰ در بانک ملی شعبه مرکزی قم مفتوح گردیده تا علاقه‌مندان که در این زمینه همکاری نمایند به حساب فوق واریز نمایند.»<sup>۵۸</sup>

ساواک قم از چاپ و پخش آگهی مزبور جلوگیری کرد اما برخی از روحانیون و واعظان قم، هنگام سخنرانی در مساجد به این موضوع پرداخته، مسلمانان را برای کمک به خرید ساختمان سینما و احداث مدرسه علوم دینی به جای آن، ترغیب و راهنمایی کردند. گزارشگر ساواک قم در این باره نوشته است:

«از ساعت ۲۰۰۰ روز ۲۵۳۵/۱/۱۸ [ش ۱۳۵۵] بنا به دعوت قبلی مقامات آستانه [حضرت

معصومه (ع) [منبر رفت که خلاصه گفتارش به شرح ذیل می باشد :

۱- ابتدا ضمن بیان مقدمه ای پیرامون زندگی ائمه به ویژه امام حسن عسگری (ع) مطالبی ایراد نمود.

۲- درباره سینمای دچار حادثه قم چنین گفت :

الف) زمین سینمای قم را آیت الله نجفی مرعشی چند روز قبل به اقساط خریداری نموده و در سند قید شده که اقساط آن به تدریج داده شود و چنانچه پرداخت اقساط آن به تأخیر افتد معامله بلافاصله فسخ خواهد بود. مضافاً اینکه مبلغی از پول سینما را هم در حین معامله داده اند.

ب) دستهایی در کار است که این معامله را به هم بزنند و اضافه نمود حسابی در بانک ملی قم به منظور کمک نسبت به خرید و کمک به آیت الله مرعشی افتتاح شده که خود من هم امروز رفتم و مبلغی به این حساب واریز و فیش دریافت داشتم. در هر صورت خوب است که در این کار خیر به آیت الله مساعدت و هر مبلغی که برایتان مقدور است کمک کنید.

ت) مستمعین منبر واعظ مذکور حدود ۴۰۰ نفر بودند که در این اجتماع آقای طهماسبی نژاد، معاون آستانه مقدسه قم، هم حضور داشت.<sup>۵۹</sup>

۲۳۹

بر اساس تحلیلها و گزارشهای ساواک، می توان گفت که موفقیت آیت الله مرعشی نجفی در خرید سینمای مزبور و تبدیل آن به مدرسه، یک نوع پیروزی برای روحانیون به شمار می رفت. از این رو ساواک می کوشید از انجام این معامله ممانعت به عمل آورد. در این باره قسمتی از گزارش ساواک قابل توجه است :

«... خرید سینمای مذکور در تثبیت موقعیت و نفوذ آیات و روحانیون در شهر قم تأثیر خواهد داشت. به این ترتیب زمینه ای به وجود خواهد آمد که آیات و روحانیون موقعیت صرف مذهبی شهر قم را حفظ نمایند و این شهر را به صورت پایگاه اصلی روحانیون و عناصر مذهبی در اختیار گیرند.»

در گزارش دیگری تصریح می کند که به هر نحو ممکن باید ساواک در ساخت مجدد سینما، مساعدتهای لازم را به مدیر سینما مبذول دارد.

تلاشهای ساواک برای جلوگیری از فروش سینما به آیت الله مرعشی نجفی بی تأثیر ماند و خبر خرید آن توسط آیت الله در نشریه های متعدد انعکاس یافت. روزنامه اطلاعات در این باره نوشت : «تنها سینمای قم توسط آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی به قیمت ۳ میلیون ریال خریداری شد. قرار است این سینما به مکان عام المنفعه تبدیل شود.»<sup>۶۰</sup>

موضوع بسیار مهمی که از مکاتبات مدیر سینمای دروازه طلایی قم با ساواک و پیگیریهای مکرر آنها درباره اداره و راه اندازی مجدد سینما بر می آید، این است که ساواک قم یا خود

سینمای مزبور را در قم تأسیس کرده ، از منافع آن بهره می برد ، یا در تثبیت اهداف خود ، به مدیر سینما کمک می کرده است که در هر دو صورت ، اهمیت سینمای قم را برای ساواک دو چندان می نمود. به عبارت دیگر ، اگر به جریان آتش سوزی سینماها در کل کشور توجه کنیم در می یابیم که بیشترین مکاتبات و پی گیریها درباره سینما ، مربوط به سینمای قم بوده که از سوی ساواک انجام شده است و در هیچ یک از سینماها در دیگر شهرها ، ساواک تا این اندازه ، موضوع را دنبال نکرده و در بازسازی آن نکوشیده است . از سوی دیگر اغلب نامه ها و تقاضانامه های بشارتیان ، مدیر سینمای دروازه طلایی ، به ساواک تهران یا قم ارسال می شده است که نگارش آن نامه ها پیش از واقعه آتش سوزی ، این گفته را بیشتر و روشتر تأیید می کند.

در هر حال ، آیت الله مرعشی نجفی ، پس از انجام معامله ، محل سینما را به مدرسه علوم دینی به نام «شهابیه» تبدیل کرد که امروزه در خیابان امام خمینی قم ، به نام «مدرسه طلاب علوم دینی» شهرت دارد.

آنچه درباره آتش سوزی سینماها در فاصله سالهای ۱۳۴۸-۱۳۵۵ ش ، در خور ذکر و از اهمیت ویژه ای برخوردار است ، علل و انگیزه هایی است که موجب گردید در طول نزدیک به ۷ سال ، حدود ۱۵ سینما در تهران و شهرهای دیگر به آتش کشیده شود یا انفجارهایی در آنها رخ دهد. با توجه به شباهتهایی که در نحوه و زمان آتش سوزیها وجود دارد ، می توان علل زیر را در بروز حوادث مزبور برشمرد :

۱- رقابت بین شرکتها و کمپانیهای وارد کننده فیلم که سعی داشتند هر چه بیشتر و گسترده تر ، بازار سینمایی ایران را در دست بگیرند.

۲- ورود بی رویه فیلمهای خارجی که بیشتر از طریق همان کمپانیهای خارجی به ویژه آمریکایی وارد ایران می شد. در این باره گزارشی در ۱۶ صفحه با عنوان «آتش سوزی در سینماها» در بایگانی ساواک موجود است که بخشی از آن ، چگونگی ورود فیلمهای خارجی و فعالیت کمپانیها را بیشتر می نمایاند. همان طور که در صفحات پیشین گفته شد ، این گزارش خلاصه مصاحبه نورالدین آشتیانی ، رئیس سندیکای سینمادارهاست که قسمتی از آن به شرح زیر است :

«... از اواسط سال ۴۶ استنباط شد رویه ای که وزارت فرهنگ و هنر در پیش گرفته است برخلاف نظریه قبلی یک رویه بی نظرانه نیست و تصمیماتی که گرفته می شد و طرقی که پیشنهاد می گردید حاکی از اعمال یک سیاست خاصی علیه سینماها بود و این موضوع از مهر سال ۴۶ روشن شد. بدین ترتیب که شروع کردند به دادن تعداد زیادی پروانه برای ساختن سینما. این موضوع با مقامات وزارت فرهنگ و هنر و آقای جباری در میان گذاشته شد ولی در جواب با

ارتباط موضوع به نوسازی و امثال اینها ادعای سندیکا را مبنی بر دایر نمودن سینماهای جدید رد نمودند و بعداً در مسائل فیلمها نتیجه گرفته شد که به بعضی از فیلمها که دارای یک موقعیت و شکل هستند پروانه می دهند و به بعضی از آنها پروانه نمی دهند. فیلمهایی که در دادن پروانه آنها تسهیلاتی فراهم می گردید فیلمهایی بودند که به هفت کمپانی خارجی (۱- مترو گلدین مایر ۲- فوکس ۳- کلمبیا ۴- یونایتد آرتیست ۵- وارنر ۶- پارامونت ۷- انیورسال) تعلق داشتند. البته این تسهیلات برای فیلمهای خارجی و همچنین سینماهایی که فیلم خارجی نشان می دهند در نظر گرفته می شد. در سال گذشته کم کم مسئله بدین نحو روشن شد. زیرا وزارت فرهنگ و هنر که خود را پشتیبان مؤسسات داخلی می دانست تصمیم گرفت که به همین منظور و بهبود وضع، سینماها را بازدید کند مدیران سینماها از این موضوع استقبال کردند ولی بعد از بازدید وزارت فرهنگ و هنر اعلام کرد که تعدادی از سینماها باید تعطیل شود ولی آمار نشان می داد سینماهایی که باید بسته شوند سینماهایی هستند که فیلم فارسی نمایش می دهند و اعتراضات سندیکا و سینماها مورد قبول واقع نشد و سینماهای زهره و کوروش تعطیل شدند. سندیکا مشغول اقدام برای باز کردن این سینماها بود که سینمای تهران آتش گرفت...»

رئیس سندیکای سینماداران درباره نحوه فعالیت کمپانیهای خارجی در ایران مطالبی به شرح زیر اظهار نمود:

«تاده سال قبل کمپانیهای آمریکایی در ایران نمایندگی و دفتر نداشتند و تجار ایرانی خریدار و وارد کننده فیلمهای خارجی بودند. در سال ۳۸ اولین کمپانی که در ایران مبادرت به تأسیس دفتر نمود مترو گلدین مایر بود و بعد از آن با بزرگ شدن تهران و گذشتن جمعیت تهران از ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر و عدم وجود تفریحات ارزاق قیمت برای اکثریت مردم به خصوص طبقات کم درآمد موجب شد که از سینما استقبال خوبی بشود و با توجه به این موضوع، استقبال مردم در فیلم فارسی که هم تعداد سینمای نمایش دهنده و تعداد فیلم محدود بود رو به تزاید گذاشت و بر همین مبنا کم کم فیلم فارسی به صورت یک صنعت درآمد و عده ای در آن سرمایه گذاری نمودند و بالتیجه در سال ۳۸ رفته رفته به علاقه مندان سینمای فارسی اضافه شد و در نتیجه تعداد سینماهایی که فیلم فارسی نمایش می دادند افزایش یافت. تا سال ۴۰ مجموع پولی که کمپانیهای خارجی از ایران به دست می آورند بیش از ۳۵۰ الی ۴۰۰ هزار دلار نبوده و در این موقع بازار فیلم در ایران توسعه پیدا کرده و در خاورمیانه شاخص شد به قسمی که برای یک فیلم درجه اول که ۵۰۰۰۰ دلار برای خاورمیانه قیمت گذاری می شد ۳۷۵۰۰ دلار از ایران در نظر گرفته می شد. در این وقت سایر کمپانیهای آمریکایی هشیار شدند و نظر آنها به باز کردن دفتر در ایران جلب شد به قسمی که حالا هر هفت کمپانی که فوقاً به آنها اشاره شده در ایران دفتر نمایندگی دارند و با باز نمودن دفتر

نمایندگی فعالیت خود را توسعه دادند و در حال حاضر سالانه در حدود ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار از ایران عاید این هفت کمپانی می‌شود. با توجه به اینکه فقط ۲۰ درصد از سینماهای ایران فیلم خارجی نشان می‌دهند و تلاش این کمپانیها این است که تعداد سینمای نمایش دهنده فیلم خارجی را زیاد کنند و به این ترتیب مستقیماً سود و استفاده خود را زیادتر کنند و برای رسیدن به این هدف حاضرند مقادیر زیادی پول خرج کنند و برای رسیدن به این منظور به فکر افتادند که تعداد سینمای نمایش دهنده فیلم فارسی را کم کنند و به علت اتکا به ابتذال فیلم فارسی از دادن پروانه نمایش به آنها جلوگیری کنند و همچنین از دادن پروانه فیلمهای خارجی که وسیله تجار ایرانی وارد می‌شد جلوگیری نمایند و بر همین مبنا چنانچه به سوابق مراجعه شود دیده خواهد شد که فیلمهایی که برای گرفتن پروانه نمایش ارائه شده و جواز گرفته اند فیلمهایی بوده اند که متعلق به این کمپانیها می‌باشند و کمپانیهای خارجی برای رسیدن به هدف خود احتیاج به عواملی در وزارت فرهنگ و هنر داشتند و مهمترین عامل که وزارت فرهنگ و هنر با این کمپانی همکاری می‌نمود آقای جباری<sup>۶</sup> بود. آقای جباری در سال گذشته در حدود ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال صرف تزئین منزل خود کرده و ضمناً در سال گذشته از طرف کمپانی مترو گلدین مایر از ایشان دعوت شد که به آمریکا رفته و به خرج آن کمپانی دنیا را بگردد. شخص دیگری که ذی مدخل در ارتباط با کمپانیهای خارجی و فراهم نمودن تسهیلات برای آنها می‌باشد آقای حشمتی مدیرکل امور سینمایی وزارت فرهنگ و هنر می‌باشد...

۲۴۲

من باب نمونه درآمد کمپانیهای خارجی از نمایش چند فیلم در ایران به شرح زیر اعلام شده است:

مترو گلدین مایر: از مجموع ۱۲ فیلم سینمایی ۳۴۰/۰۰۰ دلار؛ مترو گلدین مایر و وارنر: از مجموع ۵ فیلم سینمایی ۱۵۵/۰۰۰ دلار؛ فوکس قرن بیستم: از مجموع ۴ فیلم سینمایی ۱۴۰/۰۰۰ دلار؛ کلمبیا: از مجموع ۵ فیلم سینمایی ۱۵۵/۰۰۰ دلار»

گزارشگر ساواک در ادامه به معرفی جباری، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر پرداخته، افزوده است:

«(۱) گزارش خبری شماره ۳۲۵/۵۸ - ۴۸/۱/۲۱ حاکی است کمپانی مترو گلدین مایر از آقای جباری دعوت نموده است که برای مدتی به خرج کمپانی مذکور به آمریکا مسافرت نموده و از هالیوود نیز بازدید نماید. منبع نظر داده است که این دعوت به سبب تسهیلاتی است که آقای جباری برای فیلمهای کمپانی مزبور فراهم می‌نماید. (۲) گزارش خبری شماره ۲۰/۴۴۲۷۸ - ۷۵ - ۴۸/۳/۷ حاکی است که موضوع دعوت کمپانی مترو از آقای جباری به صورت شایعه بین محافل سینمایی و نمایندگان فیلمبرداری و عده‌ای از کادر وزارت فرهنگ و هنر وجود داشته

لیکن با توجه به شایعه مزبور و با توجه به قبح عمل مسافرت مذکور عملی نشده و در صورت ظاهر، جباری و مقامات وزارت فرهنگ و هنر از این دعوت اظهار بی اطلاعی می کنند. در این گزارش خبری اضافه نشده است که به طور کلی از سالهای قبل رسم بر این بود که صاحبان سینماها برای خود از خارج فیلم وارد می کردند و پس از تأیید کمیسیون نمایشات فیلم در سینمای مورد نظر نمایش داده می شد ولی در این اواخر شخصی به نام حیثم اشل<sup>۶۲</sup> به صورت نمایندگی مترو گلدین مایر دفتری در تهران تأسیس و بدون اینکه مشخص شده باشد چه دستهایی نامبرده را تقویت و تأیید می کنند و گذاری فیلم به سینماها را به صورت انحصاری درآورده و در این مورد دلائل مستند زیر موجود است:

الف) برای نمایش فیلمهایی که وسیله صاحبان سینماها از خارج وارد می شود کمیسیون نمایشات وزارت فرهنگ و هنر اشکال تراشی می کنند.

ب) فیلم «قصر بیلاقی بارون» که خارج از نمایندگی مترو تهیه شده بود به علت عدم صلاحیت اخلاقی سانسور شده است ولیکن به فیلمهای «انعکاس در چشم طلائی» و «گروه بان» که به مراتب از نظر اخلاقی پایین تر بوده و از طریق کمپانی مترو معرفی شده اند اجازه نمایش داده شده است.

پ) فیلم<sup>۶۳</sup> Punt Black که از طریق کمپانیهای متفرقه معرفی و توقیف شده بود ولی همین فیلم از طریق کمپانی مترو معرفی و جواز نمایش گرفت.

ث) بررسیهای دیگری نشان می دهد که در سال ۴۷ هیچ یک از فیلمهای کمپانی مترو سانسور نشده است توقیف نشده و این ۱۲ فیلم مربوط به کمپانی مترو نبوده (توضیح اینکه از هر ۷ فیلم خارجی که در تهران نمایش داده می شود ۶ فیلم متعلق به مترو و یا وابستگان آن می باشد) گفته می شود که چون آقای حیثم اشل نماینده مترو گلدین مایر مورد توجه خاص آقای جباری می باشد و کارهای ایشان خیلی خیلی فوری انجام می گردد به این جهت اخیراً کمپانیهای وارنر و والت دیسنی نیز نمایندگی خود را به آقای اشل داده اند و در نتیجه در این مورد تراست منحصر به فردی به وجود آمده، به طوری که صاحبان سینماها مجبورند فیلمی را قبلاً یک هزار دلار خریداری می نمودند حالا از طریق نمایندگی ۴۰ یا ۵۰ هزار دلار خریداری می کنند...»

«گزارش خبری شماره ۲۴۳۹۰/۷۲۰-۴۸/۲/۱۶ حاکی است که از چند سال قبل تاکنون کمپانیهای خارجی امتیاز واردات فیلمها را در دست گرفته اند و ماهیانه از این راه چندین میلیون ریال عایدی دارند و وقتی فیلمهای فارسی به بازار آمدند کمپانیهای خارجی در کار آنها اشکال و خرابی ایجاد نمودند و از حدود سه سال قبل تهیه کنندگان فیلمهای فارسی به علت اینکه وزارت فرهنگ و هنر برای نمایندگان خارجی به خصوص آقای اشل تسهیلاتی فراهم می نمود متوجه این

موضوع شدند من باب نمونه تهیه کنندگان فیلمهای فارسی که باید دائماً با آقای جباری تماس داشته باشند هفته‌ها و شاید ماهها موفق به دیدار ایشان نمی‌شوند ولی در دفتر آقای جباری همیشه برای آقای اشل باز است و ایشان در عرض دو ساعت جواز نمایش هر فیلمی را می‌گیرند و حتی فیلم قلعه عقابها را قبل از جواز گرفتن بر روی صحنه بردند و بنابراین تبانی آقای جباری و آقای اشل برای کلیه افراد روشن است...»<sup>۶۴</sup>

گزارش مزبور در ادامه برخی از موارد، از جمله انحصارطلبی اشل را که اسرائیلی بوده، مورد تردید قرار می‌دهد لیکن فعالیت یهودیان و بهائیان در بازار سینمایی ایران، نمونه‌های متعددی دارد که در بسیاری از آنها، با مخالفت مسلمانان، روبرو می‌شد. از جمله آنها فعالیت نسیم جی جی در سینما گلدیس تهران، به عنوان مدیر سینماست که به علت داشتن زن ایرانی، پروانه اقامت در ایران گرفته بود. وی اهل عراق و تبعه دولت اسرائیل بود که چون سینمای گلدیس در اجاره همسرش بود، مدیریت آن را به عهده داشت. این سینما روز دوشنبه ۲۹/۱۰/۴۸، که مصادف با ولادت امام رضا(ع) و تعطیل عمومی بود، فیلم خارجی چوپان ساخته کاپوئی را به معرض نمایش گذارده بود که مواد محترقه‌ای در ردیفهای ۱۳ و ۱۴ تعبیه شده بود.

همچنین سینما همایون اصفهان که از آن یک کلیمی بود و هر ماه مبلغی را از کلیمیان اصفهان جمع‌آوری و به اسرائیل ارسال می‌کرد که برخی مخالفتها را میان مردم اصفهان بر می‌انگیخت. تهدید مدیر سینما مونت کارلو که یک فرد بهایی مقیم تهران بود، از دیگر نمونه‌های مخالفت با فعالیت بهائیان در بازار سینمایی ایران است. افزون بر این، هژبر یزدانی در اردیبهشت ۱۳۵۵ سینمایی را در سنگسر تأسیس کرد که مسلمانان سنگسر نسبت به آن اعتراض نمودند.<sup>۶۵</sup>

۳- نبود امکانات ایمنی در سینماها.

۴- بی میلی شرکتهای بیمه خارجی و داخلی برای بیمه کردن سینماها که پس از نخستین آتش سوزیها بیشتر شد، از جمله آنها، شرکت یورکشایر است که سینما پلازا را بیمه کرده بود اما پس از پایان مدت بیمه آن، قرارداد را تمدید نکرد و تلاش مدیر سینما برای تمدید قرارداد و مراجعه به شرکتهای بیمه دیگر مانند امید، آریانا و بازرگانان نتیجه‌ای نبخشید.

۵- فعالیت و مخالفت افراد مذهبی که با رواج فیلمهای غیراخلاقی و ورود بی‌رویه فیلمهای خارجی دامنه وسیعی یافت و برای مقابله با آنها اقداماتی از قبیل آتش زدن به سینما دست زدند. شاید نمونه این سینماها: سینماهای سعدی و پاسیفیک باشد که آتش سوزی پس از خروج تماشاگران از سالن سینما، هر دو به یک شکل و در ساعت معینی از شب، رخ داده است.

آنچه در این میان ترسیم آن ضروری و در خور توجه به نظر می‌رسد، اوضاع کلی سینمای ایران در دهه‌های ۴۰ و ۱۳۵۰ ش است که برخی از منتقدان سینمایی آن سالها را ممزوجی از



سیاست، پشت پرده سینما

«رؤیای شیرین و شکست» خوانده‌اند. در سالهای آغاز دهه ۱۳۴۰ ش، تعداد بسیاری از فیلمهای اکران شده در سینماها را، فیلمهای خارجی به خود اختصاص داده، به فیلمهای تولید داخلی کمتر توجه می‌شد. این تعداد اندک فیلم داخلی نیز هر چه بیشتر روی پرده سینما می‌رفت، دوره انحطاط و زوال را بیشتر می‌نمایاند. به عبارتی دیگر هر چه بیشتر فیلم ساخته و پخش می‌شد، بیشتر بر غوطه خوردن دست‌اندرکاران سینما، در بیان موضوعات سطحی و غیراخلاقی، صحّه می‌گذاشت.

فیلمهای ساخته شده، بیش از همه، با دو موضوع تکراری، درگیر و دار بودند: گرایش و یا مهاجرت روستاییان به شهرها همراه با مشکلات متعدد و گوناگون، که پرداختن به چنین موضوعی، از این جهت بود که دست‌اندرکاران می‌خواستند نشان دهند همین که پای روستائین به شهر باز می‌شود، به فساد کشیده شده، راه انحطاط را در پیش می‌گیرد و یا پس از مدتی دست از پا درازتر به روستا بر خواهد گشت. البته چنین پرداختی، بیشتر از اصلاحات ارضی تأثیر می‌پذیرفت و از آن الهام می‌گرفت.

در این نوع از فیلمها، شهرنشینان زندگی خشک و بی‌روح، خشن و بی‌گذشت، داشتند که با مایه‌هایی از راحتی و خوشی نیز عجین شده بود.

موضوع دیگری که سازندگان فیلمهای سینمایی، بدان توجه وافی داشتند روابط عشق و عاشقی میان زنان و مردان، همراه با رقص و آواز، رفتارها و کردارهای جاهلی/لمپنیستی، تعقیب و گریزهای درون شهری و جاده‌ای، جدال بر بالای پرتگاهها و... بود که گاه، بلکه اکثراً، جایگاه هنر هفتم را تا حد یک سرگرمی شهوت‌انگیز تنزل می‌داد؛ دختران و زنان شهری شخصیت اصلی فیلمهای این دوره‌اند که با پوشیدن لباسهای جورواجور و گاه اندام‌نما، با پسران و مردان عقل از کف داده، نرد عشق می‌بازند که در موارد متعددی به سرانجام نمی‌رسند و سعی دارند احساسات تماشاگر نا‌علاج از انتخاب بد و بدتر را برانگیزانند. هر چه نمونه‌های بیشتری از این دست فیلمها را به کنکاش و نقد بگذاریم بیشتر به بی‌محتوایی و سیر قهقراایی آنها پی برده، دوره انحطاط را محسوس و ملموس تر در می‌یابیم. این دوره که به «استبداد، اختناق و فیلم فارسی» نیز نام گرفته، حدود پانزده سال به درازا کشید که آثار ضعیف و غیرقابل توصیف و تشریحی را بر جای گذاشت.

اگر از آتش سوزی سینماهایی چشم پوشی کنیم که احتمالاً در برخی از آنها افراد مذهبی دست داشته‌اند، باید تلاشهای دیگری را نیز مورد توجه قرار داد که در مبارزه و مخالفت با سینمای مبتذل انجام می‌گرفت. این تلاشها در بسیاری از شهرها صورت می‌گرفت که عبارت بود از تبدیل سینماها به مسجد، حسینیه، مدرسه و... به غیر از سینمای دروازه طلایی قم که پیشتر به

صورت مبسوط بیان شد، نمونه های زیر را می توان در جهت خرید سینما و تبدیل آن به مسجد و حسینیه ذکر کرد:

- سینما مونت کارلو واقع در فلکه هفت حوض نارمک که به مسجدالنبی تبدیل شد و آیت الله خوانساری بر امور آن نظارت داشت.

- سینما پاسارگاد که توسط فردی به نام حاج حسن معمارپور به منظور تغییر آن به مسجد خریداری شد.

- سینما اسکار در میدان رشديه به مسجد تبدیل شد.

- سینما امپریال در اوایل اردیبهشت ۱۳۵۶ تبدیل به مسجد گردید.

- دو سینما نیز در شرق تهران به مسجد تبدیل گردید.

همچنین افراد سرشناس یزد طی دو تلگرافی از آیات عظام بهبهانی، شیخ بهاءالدین نوری و فلسفی، تقاضا کردند که از ساخت سینمایی که قصد دارند جنب مسجد یزد ساخته شود، جلوگیری نمایند. آیت الله بهبهانی هم اصل تلگراف را به وزارت کشور ارسال کرد و ادامه ساخت سینما متوقف شد.

- مخالفت بسیاری از علمای آبادان با تأسیس سینما شعله.

- درگیری روضه خوانها و مدیر سینما فرهنگ در آمل.

- سینما آریا در خرم آباد که آتش گرفته بود، در ۴۹/۱۲/۱۵ توسط عده ای از اهالی خریداری و تابلوی آن پایین کشیده شد و مکان آن به نام حسینیه وقف گردید.<sup>۶۶</sup>

به دنبال همین تلاشها و اقدامات، شهربانی کل کشور، تصمیماتی را در ۱۴ ماده درباره احداث بناهای مذهبی اتخاذ کرد که در برخی از مواد آن آمده بود:

«۳- محل زمینی که برای ایجاد بناهای [مسجد، حسینیه، سالن قرائت قرآن، سالن تبلیغ و نظایر

آن] در نظر گرفته می شود باید بر خیابانهایی که حداقل عرض آن بیست متر می باشد قرار گیرد.

در غیر این صورت تأسیس اماکن مذهبی ممنوع می باشد... ۹- تبدیل یا تجدید بنای هرگونه

اماکن ساخته شده به ابنیه مذهبی فوق، با اعلام قبلی سازمان اوقاف کشور و موافقت سایر

سازمانهای ذیربط در این دستورالعمل امکان پذیر می باشد... ۱۱- سازمان اوقاف به وسیله

رسانه های گروهی به نحو مقتضی به کلیه اهالی کشور اعلام خواهد نمود تا چنانچه قصد تأسیس

اماکن مذهبی یا خرید زمین بدان منظور را داشته باشند قبل از هر اقدام به سازمان یاد شده مراجعه

و طبق نظر آن اقدام نمایند، در غیر این صورت از کار آنها جلوگیری خواهد شد.»<sup>۶۷</sup>

در پایان آنچه شایان ذکر است این است که فعالیت کمپانیهای خارجی در بازار سینمایی ایران

و ورود فیلمهای خارجی که علاوه بر دستیابی به منافع اقتصادی اهداف سیاسی نیز دنبال

سیاست ، پشت پرده سینما

می‌شد، متضمن این نکته است که تزریق افکار و فرهنگ غرب‌گرایی ، از راه سینما و با برجسته‌های هنری در ایران ، می‌توانست آسانترین و سریعترین مسیری باشد که سیاستگذاران خارجی در پیش گرفته بودند.

### پانوشتها

1- Gomen.

۲- تاریخ تحلیلی صد سال سینمای ایران ، زیر نظر غلام حیدری ، تهران ، دفتر پژوهشهای فرهنگی ، ۱۳۷۹ ش ، صص ۱۸-۱۷ .

۳- صدر ، حمیدرضا ، درآمدی بر تاریخ سیاسی سینمای ایران (۱۲۸۰-۱۳۸۰) ، تهران ، نشر نی ، ۱۳۸۱ ش ، صص ۲۳-۴- همان جا .

۵- امید ، جمال ، تاریخ سینمای ایران ، تهران ، روزنه ، ۱۳۷۴ ش .

۶- اسنادی از موسیقی ، تئاتر و سینما در ایران (۱۳۰۰-۱۳۵۷ ش) ، تهیه و تنظیم از معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور ، تهران ، معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور ، ۱۳۷۹ ش ، ج ۱ ، صص ۵۱-۲ .

۷- صدر ، حمیدرضا ، همان ، صص ۳۳-۴ .

۸- همان ، صص ۸۲-۵۷ .

۹- اسنادی از موسیقی ، تئاتر و سینما ، ج ۱ ، صص ۱۴۷-۱۵۴ .

۱۰- ظهیرنژاد ارشادی ، مینا ، گزیده اسنادی روابط ایران و آلمان ، انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ، تهران ، ۱۳۷۶ ش ، ج ۱ ، صص ۱۵۸ .

11- Propaganda : تبلیغات .

۱۲- همان ، صص ۱۵۷ .

۱۳- صدر ، حمیدرضا ، همان ، صص ۳۳ .

14- Akhen.

15- ufa.

۱۶- ظهیرنژاد ارشادی ، مینا ، همان ، ج ۲ ، صص ۳۹۱ .

۱۷- صدر ، حمیدرضا ، همان ، صص ۶۳ .

۱۸- همان ، صص ۵۹ .

۱۹- همان ، صص ۶۵ .

۲۰- همان ، صص ۶۷ .

۲۱- همان جا .

22- Marian C.Cooper.

23- Ernest B.Schoedsack.

- ۲۴- مهرابی، مسعود، فرهنگ فیلمهای مستند سینمایی ایران از آغاز تا سال ۱۳۷۵، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۸۲.
- ۲۵- صدر، حمیدرضا، همان، صص ۲-۳۱.
- ۲۶- نام فیلم: سلطان و دختر دسته کر.
- ۲۷- صدر، حمیدرضا، همان، ص ۵۸.
- ۲۸- اشاره به کودتای ۱۲۹۹.
- ۲۹- صدر، همان جا.
- ۳۰- همان، صص ۵۹-۶۵.
- ۳۱- همان جا.

- 32- Metro Goldvine mayer.
- 33- Tonight Fax Sentiuy film Corporation.
- 34- United artists Corporation.
- 35- Paramount Films or Egypt in Caporated.
- 36- Colombia Pictures Limited.
- 37- Universal Pictures corporation.
- 38- R.K.O Demopictures neareast incorporation.

۳۹- همان، صص ۷۴-۷۶.

۴۰- همان، صص ۸۱-۸۲.

۴۱- نورالدین آشتیانی: به سال ۱۲۹۲ ش در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا لیسانس امور تربیتی و روانشناسی ادامه داد. در ۱۳۲۲ ش به کار سینما پرداخت و نخستین بار هفته فیلم خارجی را با نمایش فیلمهای فرانسه به راه انداخت. افزون بر ریاست سندیکای سینماداران تهران می توان مشاغل زیر را برای او بر شمرد: دبیر مسئول اتحادیه کارگران، دبیر اول اتحادیه مرکزی کارگران ایران، عضویت هیئت تحریریه روزنامه دمکرات ایران، دبیر عامل نخستین جشنواره جهانی فیلم در تهران. از جمله فیلمهایی که او تهیه کننده آن بود می توان «در انتهای ظلمت» را در ۱۳۴۱ ش نام برد. فرهنگ سینمای ایران، جمال امید، تهران، نگاه، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۴.

۴۲- عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران، تهران، نشر گفتار، ج ۲، ۱۳۷۲ ش، صص ۲۲۷-۲۳۳.

۴۳- سینما «تهران»، نخستین سینمایی بود که قبل از سه سینمای فوق الذکر در شهریور ۱۳۴۷ آتش گرفته بود.

۴۴- پرونده سینما در بایگانی ساواک.

۴۵- همان.

۴۶- همان.

۴۷- همان.

۴۸- همان.

۴۹- همان.

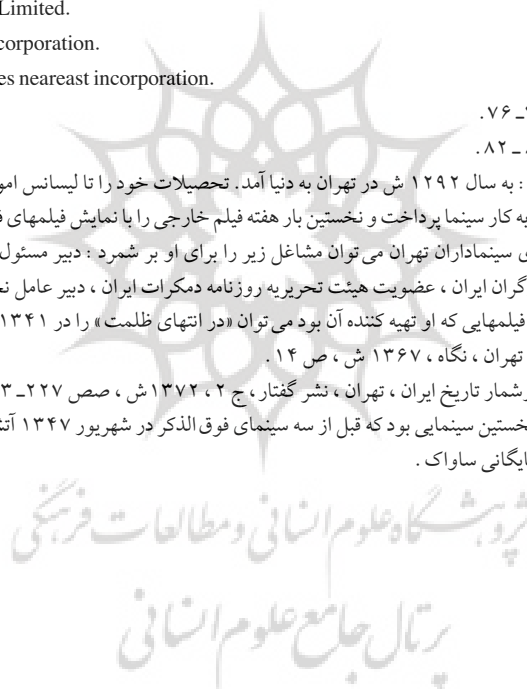
50- Golden gate.

۵۱- صدر، حمیدرضا، همان، ص ۱۹۲.

۵۲- پرونده سینما در بایگانی ساواک.

۵۳- همان.

۵۴- شهرداری قم در ۲۳ تیر ۱۳۵۴، طی نامه‌ای از مدیر سینمای مخروبه دروازه طلایی خواست تا ظرف ۱۰ روز آینده، دیوارهای سینما را که در حال ریزش است، تخریب کند، در غیر این صورت شهرداری نسبت به آن اقدام و هزینه مربوطه



را از وی طلب خواهد کرد. (بایگانی ساواک).

۵۵- پرونده سینما در بایگانی ساواک.

۵۶- آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی: فرزند سید شمس الدین محمود، در سال ۱۳۱۸ ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود. مقدمات را نزد شیخ مرتضی طالقانی و پدر خود فراگرفت. علوم تجوید، تفسیر، فقه و اصول و درایه، کلام، عرفان، علوم عقلیه و ریاضیات و بعضی فنون دیگر را نزد علمای بزرگ در نجف و تهران و کاظمین آموخت. در ۱۳۴۳ ق به قم سفر کرد و تا پایان عمر در آنجا مرجع تقلید شیعیان جهان شد. کتابخانه بزرگ با نام ایشان در قم از کتابخانه‌های معروف دنیا است که بیش از ۳۰۰ هزار جلد کتاب نفیس با ۲۵ هزار جلد کتاب خطی دارد. وی در ۷ شهریور ۷/۱۳۶۹ صفر ۱۴۱۱ در قم چهره در نقاب خاک کشید و در کتابخانه خود به خاک سپرده شد. (سیدعلی اکبر مرعشی، خاندان مرعشی در ایران، تهران، ترمه، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۵۸).

۵۷- سید محمود مرعشی نجفی: در اردیبهشت ۱۳۲۰ در قم به دنیا آمد. پس از پایان تحصیل در دبیرستان به کسوت روحانیت درآمد و همزمان با آن تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه معقول و منقول و به طور مکاتبه‌ای با دانشگاه لندن ادامه داد. وی از محضر اساتیدی چون پدر خویش، موحد لنکرانی - سید مهدی لاجوردی و آیت الله ستوده بهره جست. پس از درگذشت پدر، تولیت کتابخانه مرعشی را در قم به عهده گرفت که چندین جلد فهرست نسخه‌های خطی آن کتابخانه را چاپ و منتشر کرده است. از آثار او: شرح احوال و افکار ابن سینا، شرح اصول و افکار ابو حامد غزالی (روزنامه‌ی رسالت، شماره ۳۰۰۷ (۱۳۷۵/۳/۲۰)، ص ۵؛ گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، تهران، مؤلف، ۱۳۷۰ ش، ج ۹، صص ۲۶-۲۹.

۵۸- پرونده سینما در بایگانی ساواک.

۵۹- همان.

۶۰- اطلاعات، شماره ۱۵۰۰۴ (۱۳۵۵/۲/۱۹)، ص ۱۶.

۶۱- غلامحسین جباری: فرزند حاجی آقا در ۱۲۹۴ ش در رشت متولد شد. تحصیلات خود را تا لیسانس باستان‌شناسی در دانشسرای عالی ادامه داد. در ۱۳۱۹ ش به استخدام دولت (وزارت آموزش و پرورش) درآمد مدتی در دبیرستانهای مشهد و شیراز، به دبیری مشغول شد از دیگر مشاغل او می‌توان دبیری و ریاست بازرسی فرهنگ شیراز، بازرسی فنی مدارس تهران، بازرسی فنی هنرهای زیبای کشور و ریاست اداره امور اداری را نام برد. جباری در اوایل دهه ۱۳۴۰ ش به معاونت هنرهای زیبای کشور منصوب گردید. همچنین به نمایندگی از طرف دولت ایران در کنفرانس منطقه‌ای کشورهای آسیایی شرکت داشت. اطلاعات، شماره ۴۵/۱۱۵۷۹ (۱۴ دی ۱۳۴۳)، ص ۱۲.

۶۲- حیثم اشل: در ۱۹۲۴ م متولد شده، با تابعیت اسرائیلی در حیفا اقامت داشت.

۶۳- رودخانه سیاه.

۶۴- پرونده سینما در بایگانی ساواک.

۶۵- همان.

۶۶- اسنادی از موسیقی، تئاتر...، ج ۲، ص ۱۹۷۰، پرونده سینما در بایگانی ساواک.

۶۷- پرونده سینما در بایگانی ساواک.

# خیلی محرم



سازمان اطلاعات

گزارش

درباره آتش سوزی در سینماها

در تاریخ ۱۳/۵/۸۸ ساعت ۱۰:۱۹:۲۰ آتش سوزی در سینما «جناب آقای نخست وزیر» در مورد آتش سوزی‌های اخیر در سینماها به اطلاع رسید.

(( چون تشخیص صحت یا عدم صحت مطلب، چنین الزامی ندارد و آن واقعه را می‌توان به تکرار قبلی آتش سوزی در سینماها در قبال این مخاطرات، در زمان کنونی به حساب برد. از هر جهت ضروری می‌باشد، خواهشمند است دستور فرمایید موضوع را در جهت رسیدگی و نتیجه‌گیری با این جانب گزارش فرمایند ))

نویسنده این است: ساواک، اطلاعات، کور و راه‌بری با این شرح صادر فرموده‌اند.

(( در اول نگاه به این همکاران در اول نگاه سوم، به نظر می‌رسد که نتیجه گزارش شود ))

در اجرای اوامر و دستورات با شرکت نمایندگان ادارات کل سوپرویزور، نرسا و اطلاعات در ...

در اول نگاه سوم تشکیل و اعضا شرکت کنند. در کمیسیون با تفویض اختیار به این سوپرویزور و همین سوپرویزور به بررسی مشخص می‌باشد. گفته شد این پیشنهادات حاکی بر مصاحبه با نمایندگان سینماها در آن وقت و تقاضای باز اطلاعات آنها بود. برای اجرای این موضوع پس از دریافت نظرات صاحبان سینماها با آقای آشتیانی رئیس سندینگ سینماها که به جهت تماس شخصی از نظر سابق کتبی به این سینماها و همچنین آتش سوزی در سینماها در تاریخ ۱۳/۵/۸۸ در این سینماها با این اطلاعات داشتند. مصاحبه با این سینماها جهت ...

در این مصاحبه‌ها پس از شرح زیر عنوان نمود.

در سال ۸۸ به موجب قانونی وزارت بر سینماها و تئاترها از وزارت کشور وزارت اطلاعات متفرع و وزارت فرهنگ و هنر واگذار گردید. در این زمینه تا این وقت تصویب نامه‌ها به عمل آمده است. سینماها نیز به همین ...

# خیلی محرمانه

۲۵۰

بولتن ۱۶ صفحه ای ساواک و تحلیل آن درباره آتش سوزی در سینماها

# خیلی محرمانه



سخت‌گیری  
سازمان امور ماسک‌ها نیست کشور  
تیرماه ۱۳۵۱

شماره .....  
تاریخ .....  
بسته .....  
.....

وزارت

وزارت فرهنگ و هنر فرارگرفت در کمسیون فیلم‌ها بند ساواک هم شرکت داشت ولی کم‌کم مسئولی ساواک خود را  
را کنار کشید با کنار کشیدن ساواک وزارت فرهنگ و هنر و سپس با این وزارت اطلاعات برای شرکت در کمسیون  
باقی ماندند تا اینکه بنظر من رسید که در اطلاع این کمسیون به دفع سینماها و مردم با است از او است. سال ۱۳۶۰ -  
استنباط شد رویا یکوزارت فرهنگ و هنر در پیش گرفته است برخلاف نظریه قبلی که رویه بنظر آن تغییر است  
و تصمیماتی نگرفته‌اند و ظریفی نگفته‌اند از دیگر بد حالی از احوال به سیاست خاص سینماها بود و پس  
موضوع از مهر سال ۱۳۶۰ روشن شد بدین ترتیب که شروع کردند بعد از آن تعداد زیاد پروانه برای ساختن سینما  
این موضوع با مقامات وزارت فرهنگ و هنر و آقای جباری در میان گذاشته شد ولی در جواب با اکتفا به موضوع  
یعنی سازی و امثال اینها ادعا می‌کنند بکار آشنی مردم اجتناب از سینماها می‌جود بدین جهت که در امر رسا شکل  
فیلم‌ها نتیجه گرفته‌اند که بعضی از فیلم‌ها که دارای یک موقعیت و شکل هستند پروانه نمی‌دهند و بعضی از آنها  
پروانه نمی‌دهند فیلم‌هایی که در ادیان پروانه آنها اسم بلای فراهم می‌گیرد بد فیلم‌هایی بود که به جهت کمپانی  
خارجی (۱- شروکتین ما پرو - ۲- لورکی - ۳- کلمبیا) - یوتا بند آرنت - ۴- و ژانیر - ۵- پارامونت - ۶- انورمال  
تعلق داشتند البته این تصدیقات برای فیلم‌های خارجی و همچنین سینماهایی که فیلم‌های بی نشان می‌دهند  
در نظر گرفته می‌شد در حال گذشتیم کم مسئله بدین نحو روشن شد زیرا وزارت فرهنگ و هنر که خود را به شعبان -  
موسسات داخلی می‌انست کسب گرفت که هم من منظورم بود و طرح سینماها را باز بد شد بد بران سینماها  
از این موضوع استنباط کردند ولی بعد از آن به وزارت فرهنگ و هنر اعلام کرد گفتند که از این سینماها باید تعطیل  
شود ولی آثار نشان می‌دهد این سینماهایی که باید بسته شوند سینماهایی هستند که فیلم‌های بی نشان می‌دهند و

خیلی محرمانه

۱۶-۱۶۶

# خیلی و حجر مانه

سخت‌نیزی  
مآذنان اطلاعات ایزت کوم  
س. د. د. ک.

شماره

تاریخ

موضوع

۳

۲۵۲

واغراضات سند یگا و سینما ها مورد قبول واقع نشد و سینما های زهره و گوروش تعطیل شد ند سند پاک مشغول  
 اقدام برای بازکردن این سینما ها بود که سینما و تهران آتش گرفت . در همین موقع در سنگا و شهر تیفلیس  
 در انگلستان طی گزارشی اعلام نمود که سینما های تهران باید به . . . سنگا هر سه ویر زمین مبتدا در رسیده و  
 سینما های تهران آنها نقشه با آتش گرفتن سینما تهران در راه و آخر مرد ۱۰ ماه ۷۰ و بلافاصله سینما در  
 اول شهر ویرانه بنا م که سینما در رفع مزاحمت سینما ها نوشته شد که تا ظهر . . . شهر ویرانه با اقدامات ایمنی در  
 سینما ها انجام شود و این تا بعد روز ۲۱ شهریور سینما ها اطلاع کرد بعد از این زمینها آتانی نخست وزیر ملاقات  
 شد و با مذاکراتی که عرض رسید ایشان مانع از اقدامات وزارت فرهنگ و هنر شد ند و آتانی نخست وزیر رسید کسی  
 با این موضوع را به آتانی و پیروز زوگند ارسود و فرار شد که یک متعهدین خارجی در همت شود که سینما ها را از نظر مسائل  
 ایمنی و آتش سوزی باز به کند وای با تحویل آتانی پیروز و موضوع منتفی شد بعد از آن تا های وزارت فرهنگ و هنر  
 نوشته شد وزارت فرهنگ و هنر در اسبج اعلام نمود که گنیه خواسته های سینما ها انجام خواهد شد ولی در پیگیر  
 خبری شد .

شور و شکر علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 او اعرسال گد شتفا از طریق وزارت فرهنگ و هنر طی نامه ای به ریاست از سینما ها برای تکمیل و ساختن آنها بعضی منجمله  
 تحویل شد در آن وقت در آن عهد مراشی بعد از آن به عرض آتانی نخست رسید و باید مواضع های بعد از ایجاد  
 تسهیلات برای صاحبان سینما ها تهیه کرد بعد که مورد تأیید شهردار آذربایجان هم قرار گرفت ولی صبح روز ۱۳ فروردین  
 سینما با سفله آتش گرفت و بعد نبال آن روز جمعه ۲۱ فروردین سینما ی سعدی طعمه حریق شد .

# خیلی و حجر مانه



# خیلی ماجرمانه

سخت یزیدی  
سازمان اطلاعات ایستادگی  
ی. د. د. د.

شماره .....  
تاریخ .....  
روز .....

د. د. د.

۲۵۳

روز ۲۳ فروردین هیئت وزیران تشکیل شد و آقای نخست وزیر در گفتار خود گفتند که دستور تعلیم سینماها را صادر نمائید و الا غرمه بامجلس دولت اختیار مجوز است. آقایان و مسکن را در کمال سرعت وقت سینماها را مورد بازدید قرار داد و بازگارشینماها را که آرای و مسائل را پیش نیندند جاوگویی شود و آقایان و وزیران را مسکن قبول دادند که در مورد بازرسی سینماها پنهان نیستند بگنیز ترتیب اثر دهند ولی روز ۳ خرداد سینماهای تهران و مرجان و سپهر را و مشروط و کوروش و شهران را بستند . روز ۴ خرداد آقایان در کتلهایی و بزیر وقت تماس گرفته و توجهشان بقولی که در آن مورد نه جنب شد ولی ایشان سخن مذبذبانه می گفتند کاری بود و کما نجاح شسته و سینماها را مذبذبانه کردند . بعد از آن سینماهای آتش گرفت و طریق آتش گرفتن سینمای مذکور در دست مثل سینما پاسفیک و سینما سعدی بود و کما تکلیف خواستند . سینماها را آتش بزنده موقعی را انشعاب میگردند گفتند آن فقط خسارت مالی باشد و چنانچه بسا حتی که سینماها آتش گرفتند است توجه نمود این موضوع روشن میشود من باب نمونه سینما و پاسفیک ساعت ۶ صبح و سینمای سعدی در حدود ساعت ۷ صبح و سینمای آتش که در حال تعطیل بود در ساعت ۸ بعد از ظهر در طرف جنوبی شد فایده و در کتلهایی سینماها شروع آتش سوزی نمود اما بعد از آن شد بد و شعله بود فاست بعد از آن سوزن ها و سیاهشهری را انداخته اجتناب و صحنی بعمل آمد ولی حادثه بعد بدی پیش آمد و تلفاتی اخلال در آنجا که میخواستند سینما انور را آتش بزنده ولی در دست در رهسازان سینما ما نیز آتش زده شد و شخص آتش زنده در دستگوشه مسئولان بر سینما ما بتدریج مراجع نمودند و ما در دستگوشه است آمد فرانسوزاد فایده در این جریان در دستگوشه شد فایده که بعد ها شنید شد بگفرا آنست که انون نیز حمایت

خیلی ماجرمانه



# اخیلی محرمانه



مجلس شورای ملی  
سازمان اطلاعات ایران  
ی. د. د. ک.

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ \_\_\_\_\_  
پوسته \_\_\_\_\_

شماره ۶

۳۸ رفعت مصلحت است. این سینمای فارسی اعلا فقیه و در نظر جمیع اد سینما هائی که فیلم فارسی نگارش معده اد تد  
استراحت بافت .

تا سال ۱۰۰۰ م مجموع پولی که کمپانیهای خارجی از ایران بدست میآورند بد بیش از ۳۰۰۰۰۰۰۰ هزار ریال  
نیود بود راس موقع از آمدن را ایران توسعه میدهد اگر در رخا و سرمایهها ختم شد بقسمی که برای یک فیلم درجه  
اول که . . . . . دلار برای عا و سرمایه قیمت گذاری میشود . . . . . دلار از ایران در نظر گرفته میشود .

در این وقت سایر کمپانیهای امریکائی هشدار میدهند و نظر آنها به از کردن در فقره را ایران جانب شد بقسمی که حالا  
خرهفت کمپانی که مولا آنها اشاره کنند در ایران در فقره نمایندگی دارند و با باز نمودن در فقره نمایندگی فعالیت  
خود را توسعه میدهند و در حال حاضر حالا بعد از حدود ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار از ایران باید این جهت کمپانیهای

میشود با توجه اینکه فقط . . . . . درصد از سینما های ایران فیلم خارجی نشان میدهند و تلاش این کمپانیها این است  
که تعداد سینما های این د هند فیلم خارجی را زیاد کنند و با این ترتیب مستقیماً سود و استفاده خود را زیاد تر

کنند و برای رسیدن به این هدف قیام ضرورتی ندارد که پول خرج کنند و برای رسیدن به این هدف ضرورتی ندارد که  
تعداد سینما های این د هند فیلم فارسی را کم کنند و بکنند . . . . . باشد ال فیلم فارسی از این د پروا ندارند پس آنها  
جنگجویی کنند و همین امر از این پروا ندارند فیلمهای خارجی که در این کشور ساخته میشوند را از این د پروا ندارند و هر چه

میتوانند به دست آورند جمعاً در این د پروا ندارند بلکه کمپانیهای که برای گرفتن پروا نمایندگی از این د پروا  
گرفته اند فیلمهای این د پروا دارند که متعلق به این کمپانیها میباشند و کمپانیهای خارجی برای رسیدن به این هدف  
احتیاج به واطین در وزارت فرهنگ ندارند و بهترین عامل که در این د پروا دارند و بهترین عامل که در این د پروا دارند

# اخیلی محرمانه

خیلی محرمانه



شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ \_\_\_\_\_  
شماره \_\_\_\_\_

شماره \_\_\_\_\_

معمود آقای جباری بود آقای جباری در سال گذشته در مورد ۱۰۰۰۰۰۰ ریال صرف تزئین منزل نمود  
کرد موصفا در سال گذشته شتفا از طرف کمیته شتر و گلشن ما نیز از ایشان دعوت شد که با امریکا رفعت و خروج آن کمیته  
در آنها را بگردن شخص دیگری که بعد از ایشاد با کمیته های خارجی و غیره نمودن تسهیلات برای آنها  
معاقد آقای حشمتی مدبر کل امور بینمائی وزارت فرهنگ و هنر میباشد  
در شهرستانی کل کشور قسمت اطلاعات در مورد رسیدگی بحالت آتش سوزی در زمینها های گیری معمود ولی اداره  
آگاه می زیاد در رجستروی کشف مطالب اساسی نبود و چنانچه گزارشات قسمت اطلاعات شهرستانی و آگاه همسای  
با هم تطبیق میگردد بداند و بحرفش مقامات مرصیده بد حالا وضع زمینها ها روشن شد نمود  
من باب نمونه رأید کمیته های خارجی از نمایین چند قبلم در ایران را بشرح زیر اعلام نمود

شتر و گلشن ما بر

شهرستان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۳۰۰۰۰ /

۱۰۰۰۰ /

۱۰۰۰۰ /

۲۰۰۰۰ /

۲۵۰۰۰ /

دکتريزواکو

جانبه شتر و گل

ایستگاه مبرا

رازگمسان

۲۱ مرد خیمت

دور از اجتماع شتر و گلشن

توجه پایس که استین

کفش ما هم بر

خیلی محرمانه

**خیلی محرمانه**

شماره: \_\_\_\_\_  
 تاریخ: \_\_\_\_\_  
 پست: \_\_\_\_\_

سخت‌گیری  
 سازمان اطلاعات امنیت کشور  
 تهران ۱۳۸۱

---

دریافت

۳۵۰۰۰ / دلار	برادر رشید
۴۰۰۰۰ /	گلشنکام پهنای
۳۰۰۰۰ /	بن هادی
۳۴۰۰۰ /	متروگند بن مایر (دارملا)
۲۰۰۰۰ /	پانی و کلاید
۲۰۰۰۰ /	شهاب در تاریکی
۲۰۰۰۰ /	کلاسیک حسا
۲۰۰۰۰ /	کاملتوت
۲۵۰۰۰ /	چنگس ازیر چنای ولف میرشد
۲۵۰۰۰ /	متروگند بن مایر
۲۵۰۰۰ /	چشم‌بند ایان
۲۰۰۰۰ /	نوکیس قرن بیستم
۲۰۰۰۰ /	اشکها و لب‌خندها
۲۸۰۰۰ /	دانه‌های شن
۲۰۰۰۰ /	درکتسرد ریته
۲۰۰۰۰ /	مضاره
۲۰۰۰۰ /	گلچینا
۲۰۰۰۰ /	رام کردن زن سرکشی
۲۰۰۰۰ /	درگمال خون‌سودی
۲۰۰۰۰ /	حدس بن چوکس برای شام سآبد

شکاه علوم انسانی در مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

**خیلی محرمانه**

# خیلی محرمانه



سخت‌گیر

سازمان اطلاعات امنیت کشور  
تهران، ۱۳۰۱

شماره: .....  
شرح: .....  
تاریخ: .....

شماره

۳۵۰۰۰ /

الصور

۳۵۰۰۰ /

در غیر مصروفه

پس از هماهنگی آقای آشتیانی تصمیم گرفته شد که با مسئولان امور وزارت فرهنگ و هنر در باره آتش سوزیهای سینماها هماهنگی صورت گیرد. در این خصوص مسئولان این امر اطلاعات خود را محدود به پرونده امنیتی موجود اعلام نمودند که خلاصه‌های آن رونق شد. گویا شرح زیر است.

۱- وزارت فرهنگ و هنر پس از وقوع آتش سوزی در سینماهای متعدد در پایتخت، به نخست وزیر گزارش نمود. فاصله در سینمای مذکور بطور مشاهیر در چار حریق گردید. فاصله با توجه به اینکه سینما در پایتخت سینمایی تونیما در واجبهت ایمنی دارای وسایل کافی برای مقابله با آتش سوزی بود. فاصله بعد از وضعیت آتش که احتمال سوختن آن بجاگه پارچه‌ها در مشرف شد. وقوع چنین پیش آمدی برای وزارت فرهنگ و هنر به هیچ وجه معلوم نیست زیرا هر دو سینما هنگام تعطیل و نظارت هم رسالت محلی از شب نزدیک به صبح سوختن است. فاصله این ترتیب حادثه و به نظر می رسد.

۲- در مورد آتش سوزی در سینما ما انزال در ارتفاع پیش بعد بر کلیه سینماهای نوشتن است که در ساعت ۸ بعد از ظهر روز ۲ / ۲ / ۱۳۰۱ در صد آتش از روی یک چند لپهای و همگفت شدید به دستور و بلافاصله صلح نمود. در مشاهده میشود. حریق خوراکی "ما بوقین می شود" در تمام کانه شهروانی و ملاقاتی در حدود ساعت ۷ بعد از ظهر به سینما مرا چه فاصله چگونگی حریق را بررسی می کنند. از صد آتش گرفته بجا فوطی نظری که دارای نوار و "مانا" مواد معتقد بودند بعد است آمد. حشد این فوطی برای بررسی در اختیار شد. ریاست و سایر اوقات قرار گرفت و یک نفر جوان که مورد "ظن بود" از طرف "ما" مورین پاسخ در مشکوک و تکلیفی را روانه شد. فاصله

(توضیح اینکه پرونده سینماها در بخش ۳۳۰۰۰ مطالع شده نتیجه در پرونده مذکور منعکس نیست.)

۳- سازمان دفاع غیر نظامی در مورد آتش سوزی در سینماها با همکاری نظر به ادعا شد. علت بروز حریق در سینماهای

# خیلی محرمانه



خیلی محرمانه



سخت‌گیر  
معاونان اطلاعات است کشور  
سی.دی.ای

شماره  
تاریخ  
پیوسته

در باره

بها - تمهیدات : ایمناس باستان شناسی از دانشسرای عالی

بها - تاریخ ورود بحد مته ۱۳۱۹/۷/۱

مته - متاعل : د بعهد بعمر متاعلها و چشمه و شبراز ، د بعوروش بازدسی فرهنگه شبراز ، بازدسی وزارتی ، بازدسی متری شبران ، بازدسی متری هنرها و زیبای کشور ، رئیس اداره آموزش - رئیس اداره امور اداری ، رئیس اداره آموزش نقاشی ، مدرس گل ساعی و بعمری هنرها و زیبای کشور - معاون فرهنگ و وزارت فرهنگ و هنر .

ت - محاسن : لایق و متاعل بعهد بعوراد بکار و امور

ج - معایب : در مورد امور مالی اتم اعانتی با وسعت مته هنر .

ح - موافق موجود :

(۱) گزارش خبری شماره ۳۶۵۶/۳۶ - ۳۶۵۶/۳۶ ( ۸/۱/۳۶ ) حاکی است کمیته متروکده من مایر از آقای جباری دعوت نمود تا است کعبه را در مته ش مخرج کمیته مذکور با آمریکا سفرت نمود و باز - ها لیوود نیز بازید تعاید . مخرج نامرد اد فاست کما بین دعوت بعهد تصدیقاتی است که آقای

جباری نیز در کمیته های کمیته من دور فرامین تعاید .

(۲) گزارش خبری شماره ۶۶۶۶/۶۶ - ۶۶۶۶/۶۶ حاکی است که موعود دعوت کعبه من متروا را قار جباری بعصورت شامعه بین سافل سینه اش و تعاید کان فیلبرد اریو و د های از کادر وزارت فرهنگ و هنر و جود در استاعلیکون با جودم باشامعه من دوریا توجه بعفتح عمل سافل سرت مته کورصلی نشد بود رعصوات شاهنوب بار و مقامات وزارت فرهنگ و هنر از این دعوت اتمه سار بی اطلاع می کنند در این گزارش خبری اعانه شد فاست که بعور کئی ارسال های قبل رسیده من بود و که صاحبان سینه ها برای خود از خارج فیل بردی میگیرند و پس از تاعه بعهد کمپسون شامشات فیلد

خیلی محرمانه

۲۶۰



# خیلی مانه



سخت‌گیری

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شماره ۱۲

شماره

تاریخ

قیمت

دوره

۱۲

در سینمای مورد نظرنا پیش از اد هیئتدانی در این اواخر شخصیت‌های ملی‌گرا و انقلابی را به تصویر کشیدند و متروکند ما بود هنرمند و شهروان تا همین ویدون اینگونه متراکم شد به شدت جاده سنتی ملی‌گرا و راه را تقویت و تا به حد می‌کنند و آنگاه فیلم‌سینماها را به صورت انحصاری در آورد بود این مورد در لا کمال مستند زجر می‌بود است .

الف) برای نماپردازیها فی کسولها جهان سینماها از خان‌وارها می‌بود کیسول نمایشات وزارت فرهنگ و هنرا شگانه تراشی می‌کنند .

ب) فیلم‌فترینتلافی با رهن‌گهان از نما به کی متروکم به شدت بود به شدت بود و متراکم کیسول اخلاقی سانسور شد فاسدی ولیکن فیلم‌های انعکاسی درج‌شده از نظر اخلاقی و گروه‌های گوناگون از نظر اخلاقی با نین تزئین می‌از طریق کمیته‌های مترومعرضی شد و اندک‌اندک از نما پس از اد شد فاسد ب) فیلم *گفتگو با کمال* که از طریق کمیته‌های مترومعرضی و توتیف شد مورد ولی همین فیلم از طریق کمیته‌های مترومعرضی و جوازنامه‌های گرفت .

ت) برای مترومعرضی او معمولاً در سال ۷۰ هجری یک از فیلم‌های کمیته‌های مترومعرضی فاسد ث) برای سیم این بگری نشان می‌دهد در سال ۷۰ هجری ۲۰ فیلم از طریق کیسول نمایشات توتیف شد می‌آیند ۳۰ فیلم مترومعرضی به کمیته‌های مترومعرضی ( توضیح اینکه از هر ۲۰ فیلم خارجی که در تهران نمایشات داد می‌شود ۶ فیلم متعلق به ترومعرضی و باستان آن می‌باشد ) گفته می‌شود که چون آقای حسین نمایشات به مترومعرضی نماند به صورت توجه خاص آقای خناری می‌باشد و کارهای ایشان خدای خدای فوری است و می‌گردد نمایشات کمیته‌های مترومعرضی و این موارد است به همین جهت نمایشات کی خود را به آقای اشرف داد و اندک‌اندک به در این مورد تراست مترومعرضی وجود آمده و به طوریکه ما احیاناً سینماها می‌شودند فیلم‌های انقلابی که هزاراد و لا خریداری می‌شودند حالا از

# خیلی بر حجر مانه

۲۶۱

# خیلی محرمانه



سخت‌نویسی  
سازمان فرهنگ و ارتباطات کشور  
م. د. د. ک.

شماره .....  
تاریخ .....  
قیمت .....

شماره ۱۳

مطابق نماندگی - ۴ یا ۵ هزار رد و لاخره اری میگذند .

(ج) شایع است که آثار و جملاتی بدون اینگونه بنا - آقا یی به نام راد و زینبیم حقایق مسلم نماند و کمپانی متروپنگ ارد با ترتیب صحبت ساز آقا دوز سر را بعنوان هم مانی بعنوان آقا یی اشل بود فاست و کمپانی که از جریان نماندگی متروپنگ بر سر آری به آئی جوا همد نمود .

(د) بررسی ای بعد مانی وضع مانی که شش آبی جباری خاکس است که مزار التمه در رسالت ای بهد از ۳۲۲ یاد آری بودن شغل معاینه اند اره کل هنرها و زیبا مسدا اجود و اشاقی در یکی از ساختنهای در طرفه غسابان لا لغز بود همد و صورتیکه در حال جا غیر فقط منزلت کونی شخصی وی در رحسد و د ۴ میلیون تومان قیمت در آرد .

گزارش خبری شماره ۲۰ / ۲۴۳۹ - ۲۸ / ۲ / ۱۶ مانی است که از چند سال قبل تا کنون کمپانی هم حساب خارجی امتیا زوار د ات فیلسا را در دست گرفته اند و ما همیا تعاریز بر او چند بن میلیون ریال ماید و در آرد و وقتی فیلسا ی فارسی به بار آرد ند کمپانی همیا ی خارجی در رگا رآند اما اشکال و خطری ای ایجاد نمودند و از همد و در مسفصال قبل تهیه کنندگان فیلسا ی فارسی به حالت اینگونه زارت فرهنگ و هنر بر او نماند پذیرگان خارجی به خصوص آغاسی - اشل تسبیلائی فرا هم منمود متوجه این موضوع شدند و من قانین کولونته به یه کنندگان قبا همیا ی فارسی که با بد در انسا با آقا ی جباری تناس در انشعا شند هفتها و شاید ماهها موافق بهد آرا ایشان نمی شوند ولی در رد قدر آقا ی جباری همیت همرا ی آقا ی اشل ما را سکرو ایشان در طرفه د و نتها هت جوا از خطایش هر فیلس را میگیرند و حتی قلمم قلمسه عتابها را قبل از جوا ز گرفتن بر روی دستبرد اند و بنا بر این تمایز آقا ی جباری و آقا ی اشل برای اکتیفا فرام روشن است

در اره کل سوم طی شماره ۲۲۴ / ۱۳۸ - ۱۸ / ۲ / ۲۰ آزاد اره کل نیمه در حوا دست نمود ه کند و مورد وضع مانی

۲۶۲

# خیلی محرمانه

۱۶

# خیلی محرمانه



نخست وزیر  
سازمان اطلاعات و ارتباطات  
تهران

شماره  
تاریخ  
پوست

در باره

و نحوه بستگی آنان به جاری به کمپانی مشترکند. ما بر تحقیقات لازم معمول و نتیجه را اعلام می‌آورد.

۱- در آردگله هم در ریاسخ طی شماره ۹۱۱۴/۲۲۲-۸/۴/۱ اعلام می‌گردد.

(الف) انحصاری ضمیمه میسر ای خارجی بوسیله آقای اشرفی سورد تا ۹۰ بعد پس باشد زیرا چندین کمپانی در بگذرد ایران وجود دارند که هر یک تا بعد می‌آورد و می‌تواند از خارج وارد و مستقیماً پس از کسب مجوز برای نمایش ارائه می‌کنند.

(ب) اعتبار نمایش فیلمهای خارجی از ۱۳۰۵ و استثنائی ۱۳۰۶ هزار در لازماً شد و علت همین بود که در لایحه و واسطه‌ها و کسب اعتبار نمایش فیلم در ایران و خارج از کشور با بنیادین حساب آن‌ها اوضاع حباب سینماهای ایران می‌باشد.

(ج) تعیین صحت و عدم موضوع اشکال تراشی وزارت فرهنگ و هنر احتیاج به مراجع مسئول و بررسی صورت نظامی رسید می‌آورد.

(د) مشخصات حیثی اعلام شد. بن شرح است. نام حیثی شهرت اشرفی متولد ۱۳۲۴/۲/۱ با اقامتگاه حیثی تابعیت اسرائیلی.

(ه) منزل غلامحسین جباری در ریخ و در پنج طبقه زبانی قیمت دارد و مدارج او نیز در ریخ و در حقوق و مزایای در ریخ است.

(و) حیثی اشرفی با اغلب مقامات وزارت فرهنگ و هنر حتی آقای پهلوی تماس و ارتباط دارد و می‌تواند در همه آنها و وزیر فرهنگ و هنر حضور مخصوص و می‌تواند اشرفی را در اختیار بگیرد و از قبل از نمایش در سینماهای تهران در منزل ایشان به معرض نمایش بگذارد و سعی دارد در انتشار این وسیله خود را نیز با یک ملاحظاتی در مورد نحوه هد و طریق بررسی که به عمل آمد به منظور جلوگیری از حجاب و لایحه واسطه‌های قبایم ای خارجی و خروج بیشتر از کشور با سستی شرکت‌های اشرفی تا حد نظران و مشخصین امر به پیروی اجراء می‌آورد.

خیلی محرمانه



# خیلی مجرمانه



شماره

تاریخ

نوعت

۱۶ - شماره

در کار فیلم سینما های نمایشی در هند و فیلم فارسی ایجاد اشتغال و خراسی نمودن می باشد و امکان در آمد برای ایران را از دست می دهد و استفاده نکرد می باشد .

۱- ایجاد کمیته های برای فیلمها و سینما های نمایشی در هند و فیلم فارسی .  
 توضیح آنکه برای ایجاد رازد و مستحق و غیره یکی با همی از مسئولین وزارت فرهنگ و هنر استفاده .  
 کرده اند .

۲- ایجاد آتش سوزی و خسارتی در سینما های نمایشی در هند و فیلم فارسی .  
 زیرا چنانچه می خواستی امر مرا چه میشود در بعدت . ۳- سال که از آغاز زنده ایست سینما های ایران میگذرد تاکنون یک چنین وضعی که در زنده اول سال ۸۱ پیش آمد می باشد که در طرف دیگر حوادث .  
 سال جاری نحوه حریق ها در زنده سینما های . و خسارتی تقریباً ۳۰۰ میلیارد بوده که در سینما های که در جوار حریق و جان نگرند به دستمای نمایشی در هند و فیلم فارسی بود و خسارتی ۳۰۰ میلیاردی که مورد ایران .  
 وزارت فرهنگ و هنر واقع شده اند فیلمهای فارسی بود می باشد بنا بر این شرطی می باشد و بود .  
 پیش آمد ها بعد از اینست که در تاریخ امر به استناد آن تا نخست وزیران تعیین می شود تهیه کرد به ماست تا در صورت تکلیف آنرا اعلام فرمایند در زنده جمهوری اسلامی که امر فرمودند تا اعلام شود .

۲۶۵

کتابخانه ملی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
 کتابخانه ملی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
 کتابخانه ملی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
 کتابخانه ملی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران


  
 وزارت فرهنگ و هنر

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

شماره: ۲۴۷/۸۷  
 تاریخ: ۲۴ اردیبهشت  
 پیوست:

در باره: احداث سینما در قم

در اجرای اوامر اعلی حضرت همانین شاهنشاه آریامهر منی بر احداث سینما در قم شخصی بنام دکتر محمد حسن صادقی ساکن آن شهرستان که مالک قطعه زمینی در بهترین محل شهر (خیابان ۴۵ متری) میباشد تقاضای احداث سینما در زمین مزبور را نموده مشروط بر اینکه بانک ملی وام لازم را در اختیار وی بگذارد علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید در این مورد اقدام مقتضی معمول دارند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ارتشبد نصیری

از طرف: *[Handwritten Signature]*  
 گیرنده: *[Handwritten Signature]*

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور - تلفن شماره ۲۱۱/۱۰۲۱  
 تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴  
 پیوست: ایفاد میگردد.

مدیرکل آمار و سوم - ثابتی

۲۴۷  
 ۱۱۵-۳۵  
 ۱۳۵۴/۷/۲۴

۲۶۶

دستور محمد رضا پهلوی برای ساخت سینما در شهر قم

میری

خرید آری - سینما شهر قم و بیلگه آیت الله مرعشی  
برای تهیه پانزده مدرسه علوم دینی

روز ۲۲ / ۲ / ۱۳۴۴ هجری قمری سینمای شهر قم در اثر آتش سوزی خسارت فاحش توجیهی وارده آمد و سینمای  
مذکور تعطیل گردید .

حالت سینما ، مورد بحث از نخست وزیر است تا آنجا که نمود برای بازسازی سینما و ام پانزدهمین و بیست و یکمین  
در اغشایا و گذاردن شهر بود می شده بود که جنابان بازسازی سینما این برآورد کارخانه حساسان  
دانشگاه میانه بین ریال است در حالیکه بهیچ فکری نیست میانین ریال ( مبلغ پانزده شده ) آتسرا بود اجابت  
خواهد کرد .

نخست وزیر به علت آنکه امکان داشت در آینده با لکن سینما جای دیگر بین این بهانه تشکلی است  
کفایت نماید در خواست کرد و برآورد نمود .

بدلیل برادگانای مالک سینما و برای آنکه داشت که در قرارداد سینما را برای تاریخ ۱۳۴۴ هجری قمری  
مورد اجابت به قرارداد می که نخست وزیر می بیند و این قرارداد منعقد محل سینما را به عنوان دیگر و مورد  
اجابت و قرارداد شد .

چنین آخرین اطلاع محل سینمای مذکور بوسیله آیت الله نجفی مرعشی به مبلغ ۲ میلیون ریال از زمان آن  
قرار داده شده است .

مقتضای خرید سینما و مذکور روز ۱۳ / ۲ / ۱۳۴۴ هجری قمری آیت الله نجفی مرعشی قصد داشته آتش سینما  
زیر بنیاد برساند .

آیت الله سید شهاب الدین نجفی مرعشی تمام سینما شهر قم را به خسی قم را که از جلدی بهیچ خراب  
شده بود و مشرفان را مشاهده در آینده به صورت مدرسه علوم دینی برای طلاب و محصلین حوزه  
شهره در شاهراه آید بهیچ این اجابت همکاران موطنین در شرح اجابت این مشروع خیر مرتزعه خواهد شد  
بود به اجابت سینما را . و در نهایت شایسته محترم تم مقصود گردید و استقامت

از هیات امنان سینما  
این هیات امنان سینما  
این هیات امنان سینما

این هیات امنان سینما  
این هیات امنان سینما  
این هیات امنان سینما

۲۶۷

واکنش مقامات امنیتی در برابر آتش سوزی سینما در قم و خرید آن توسط آیت الله مرعشی نجفی و دست خط نعمت الله نصیری  
رئیس ساواک در ذیل سند

۲- به وزارت اطلاعات و جنبه انگریز اعزام شده اجازه چاپ آکوی مذکور

ندارند.

توسعه

خبره ای مذکور رتبهت موعیت و نفوذ آیات و روحا نمون و شهرت تاثیر خواهد داشت این ترتیب زمینها ی موجود خواهد آمد که آیات و روحا نمون موعیت صرف مذکور شهرت را حفظ نمایند و این شهرت را بصورت پایانه اصلی روحا نمون و عناصر مذکور در اختیار گردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



درجه و رتبه	طبقه بندی حفاظتی
نسخه شماره	گزارش خبر
از ..... نسخه ۷- منبع ۱۰۶۰۰	
۱- ۳۴۵۹	۸- منشأ اهائی
۲- از ۱۴	۹- تاریخ وقوع ۲۰۲۴
۳- شماره گزارش ۱۸۱۸	۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع
۴- تاریخ گزارش	۱۱- تاریخ رسیدن خبر بر مبر عملیات
۵- پیوست	محل
۶- گیرندگان خبر ۳۴۱-۳۴۷	۱۲- ملاحظات حفاظتی

---

موضوع افتتاح سینما در سنگسر

روز ۳۵/۲/۲۴ سینمائی در سنگسر به توسط اهالی بزرگوار و

بتاگرد بدها، حضور مقامات و رؤسای محلی سنگسر و ...

بخش مذکور افتتاح گردید.

نظریه شنبه: ناشی نداشتند

نظریه یکشنبه: ناآرامی بزرگوار و ...

چندان شوقی از خود نشان ندادند.

نظریه دوشنبه: خبر فوق در اردو و ...

پس دیگر از افتتاح اجابت مفید ...

۲۶۹

طبقه بندی حفاظتی

۵۲-۲۵۹

۵۷۷۲۲۴

ساخت سینما توسط اهالی بزرگوار و واکنش منفی مردم منطقه

**کمیسیون حفاظت از مصلحت**  
شماره پستی ۵۵۱۳۳  
معاونت امور خیریه

شماره ثبت: ۳۳۱ / ۳۳۱  
شماره پرونده: ۳۳۱ / ۳۳۱  
تاریخ: ۲۵ / ۲ / ۱۳۹۰

۱- شماره پرونده: ۳۳۱ / ۳۳۱  
۲- تاریخ گزارش: ۲۵ / ۲ / ۱۳۹۰  
۳- نوع پرونده: ۳۳۱ / ۳۳۱  
۴- تاریخ رسیدن خبر به شعبه: ۲۵ / ۲ / ۱۳۹۰  
۵- تاریخ رسیدن خبر بر مبنای مصلحت: ۲۵ / ۲ / ۱۳۹۰  
۶- نام مخاطب: ۳۳۱ / ۳۳۱

موضوع: ارسال پول به اسرائیل

مشتق: ۳۳۱ / ۳۳۱

بقره اول: صاحب سیمنا همان اصفهانی که کمیسیون می‌باشد هم‌اکنون در حبس است و ۷۰۰ / ۰۰۰ ریال از کمیته اصفهانی جمع‌آوری شده است و ارسال پول به اسرائیل می‌تواند باعث تضعیف روحیه این موارد شود.

۱- تعیین وضعیت و رفع نگرانی.  
۲- تعیین نه‌انگاری کامل صاحب سیمنا همان اصفهانی.  
۳- پول مزبور تحت به‌عنوان از کمیته اصفهانی جمع‌آوری شده است و با اسرائیل ارسال می‌گردد.  
۴- در صورت فعالیت کلیه اعضاء انجمن اصفهانی در جهت مصلحت‌محافظات آذربایجان.

کمیسیون حفاظت از مصلحت

شماره ثبت: ۳۳۱ / ۳۳۱  
شماره پرونده: ۳۳۱ / ۳۳۱  
تاریخ: ۲۵ / ۲ / ۱۳۹۰

معاونت امور خیریه


  
 سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

به مدیریت کل اداره سوم - ۳۴۷ -  
 از معاونت تهران - ۳۳۳۳۳ -

شماره - ۳۳۳۳۳ / ۳۳۳۳۳  
 تاریخ - ۱۳۳۳ / ۳ / ۳۳  
 درجه - درجه اول ( شرح نامه )

در باب - تبدیل سینماهای تهران به مسجد  
 شماره ۳۳۳۳۳ / ۳۳۳۳۳ - ۳۳۳۳۳ - ۳۳۳۳۳

اخیراً تعدادی از صاحبان سینماهای تهران بعلت گران شدن وسایل مورد نیاز سینما و قیمت فیلم و امثالین هزینه ها و ولایت تلویزیون شروع به تعطیل کردن سینمای خود نموده اند . «سینا» بازاربان تهرانی نیز در جهت خرید سینما های تهران بنگار تشکله و نظریاتی با صاحبان سینما ها تماس و ضمن جمع آوری بیسول شروع به خرید سینما و تبدیل آن به مسجد مینماید . در واقع احوال اینگونه بازاربانها تبلیغاتی و انتظار خرید سینما واحداث آن بصورت و نیز وجود سالن های بزرگ برای جنبشان مسجد است که نمونه هایی از مورد فوق بشمار میرود .

۱- در واقع فرمها ۲۲ هدهای اساسی طراحان ، نقاشی ، تزیین ، عمارت ، آقا جلالت ، آیت اله خوانساری - پیشقدم شده و با جمع آوری پول سینمای مینا کارلو واقع در منطقه نارنگ راهپت احداث مسجد التی بعملش دو میلیون و هشتصد هزار تومان خریداری نمودند .

۲- اخیراً «سینما اسکار» واقع در میدان رشده توسط یک هیئت مدعیان اساسی خرم سپاه در شرکت ساختن شهرآزاد ، مدعی ، نسراله زاده بعلت یک میلیون و پانصد هزار تومان جهت احداث حسینیه خریداری میگردد .

۳- در روزنامه گنجان شرح شماره ۱۳۳۳ / ۳ / ۳۳ در مقاله ای تحت عنوان بازار سینما در تهران تعطیل شده در شرح و در همین روزنامه گنجان شرح ۳۳۳۳ / ۳ / ۳۳ در زمینه مزایده گذاشتن سینما پانزا نیز مدعی شرح گردیده که بعد بنویسمه برش روزنامه های مذکور جهت استعلامیه بوسیله نگارنده میگردد .

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی  
 تهران - تهران  
 ۳۳۳۳ / ۳ / ۳۳  
 ۳۳۳۳ / ۳ / ۳۳  
 ۳۳۳۳ / ۳ / ۳۳

۲۷۱

تبدیل سینماها به مسجد در تهران